



[www.iwae.org](http://www.iwae.org)  
[kanoon\\_dt@yahoo.com](mailto:kanoon_dt@yahoo.com)

برخی از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های کانون نویسندگان ایران در تبعید که در دو سال گذشته منتشر شده‌اند، به عنوان بخشی از گزارش به نشست همگانی کانون ارائه شده است. این نشست روز هفتم نوامبر در استکهلم برگزار گردید.

## بیانیه پایانی مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران در تبعید ۲۴-۲۲ تیر ماه ۱۳۸۶ برابر با ۱۵-۱۳ ژوئیه ۲۰۰۷ - برلین

مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران (در تبعید) با برگزاری نشست همگانی امسال، که سرشار از تفاهم و همدلی بود، بار دیگر بر پیمان خود، درخواست همواره کانون در دفاع از آزادی اندیشه و بیان تاکید کرد تا در پیکار با حکومت آزادی کسب اسلامی و عامل اصلی سرکوب و خفقان در جامعه و ارتجاع تداوم بخشد.

سرکوب ها و آزادی کشی های مداوم حکومت اسلامی، نمونه بارزی از فاجعه ای است که حکومت اسلامی بر جامعه حاکم کرده است. پاسداران و ماموران حکومت اسلامی، همه اقشار و طبقات اجتماعی، اعم از مبارزان راه آزادی اندیشه و بیان، نویسندگان و روزنامه نگاران، زنان آزاده، دانشجویان، کارگران، و ملیت های ستم دیده ی جامعه ی ما را تحت تعقیب، دستگیری و شکنجه و اعدام قرار داده است.

اما مبارزات حق طلبانه ی مردم ایران، علی رغم همه این سرکوب ها و آزادی کشی ها، تداوم یافته و حکومت اسلامی را با تنگناهای اساسی روبرو کرده است.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) در دو سال اخیر کوشید تا با الهام از این تلاش ها و پیکارها، با غلبه بر بحران درونی خود و تشکیل مجمع عمومی در جهت همکاری و یاری و دفاع از گوهر آزادی و ستیز با خفقان و آزادی کشی حرکت کند و با تاکید بر سیاست دفاعی و مبارزاتی خود، ضمن تایید کوشش ها و فعالیت های جمع مشورتی (گل مراد مرادی، بهرام رحمانی و علی کامرانی) در حل بحران موجود و تماس با اعضاء و تدارک مجمع عمومی کانون، انتخاب هیئت دبیران تازه، فعالانه در پیشبرد سیاست های کانون، تمام نیرو و خرد خود را به کار اندازد.

مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران (در تبعید) در این نشست، هیئت دبیران جدید کانون را به شرح زیر انتخاب کرد: شهلا آقاپور، بهرام رحمانی و ستار لقایی.

مجمع عمومی کانون امیدوار است که همکاری و خردمندی این یاران عضو هیئت دبیران در پیشبرد خواست و سیاست همواره کانون در دفاع از «آزادی بی حد و حصر اندیشه و بیان»، و در ستیز پیگیر با سرکوب و آزادی کشی های حکومت اسلامی و همه آزادی کشان سراسر جهان، ثمره خود را به بار آورد و به مبارزه برای رهائی از هرگونه سلطه و سرکوب یاری رساند.

## پیام نشست همگانی کانون نویسندگان ایران (در تبعید) به مناسبت سالگرد کشتار همگانی زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ ۱۳-۱۵ ژوئیه ۲۰۰۷ - برلین

کشتار زندانیان سیاسی ایران در تابستان سال ۱۳۶۷، یکی از خونبارترین سیاست های سرکوب، آزادی کشی و خفقان حکومت اسلامی است.

در تابستان سال ۱۳۶۷، هزاران زندانی سیاسی که دوران محکومیت خود را در زندان می گذراندند و بسیاری از آنان حتی در آستانه پایان دوره محکومیت خود بودند، به فرمان خمینی، بنیان گذار حکومت اسلامی، به جوخه های مرگ سپرده شدند و جان باختند.

پیش از آن نیز حکومت اسلامی، دست به هجوم و سرکوب زده و بسیاری از مردم ایران را به خاطر بیان اندیشه و عقیده خود و ظرفداری از راه و شیوه ای جدا از حکومت اسلامی، دستگیر، شکنجه و اعدام کرده بود.

حکومت اسلامی، اصولاً از آغاز، سلطه نابکارانه خود را، همواره با دست زدن به سرکوب و زندانی کردن و کشتار مخالفان، با سازماندهی تبعیض جنسی، کشتن آزادی اندیشه و بیان، هجوم به آزادی ها و دست آوردهای انقلابی مردم ایران، و پامال کردن حقوق آنان در همه عرصه های کار و تولید و فعالیت سیاسی و اجتماعی و برابری های ملی و جنسیتی برقرار کرده است.

اما کشتار همگانی زندانیان سیاسی، در تابستان سال ۶۷ که طی آن بیش از پنج هزار تن از فرزندان مردم ایران در مدت کوتاهی جان خود را از دست دادند، نمونه یکی از پلیدترین سرکوب هائی است که جامعه ما تاکنون به خود دیده است. نتایج فاجعه بار این سرکوب ها نه تنها شامل زندانیانی شد که جان خود را باختند، بلکه، آثار بسیار مخرب آن، بر جسم و جان آنان نیز که باقی ماندند، بر روح و روان فرزندان کوچکی که بخشی از دوران شکوفائی و رشد خود را در کنار مادران و پدران خود در زندان گذراندند، در روحیه و جسم فرزندان که دشواری ها و اندوه دوری والدین زندانی خود را باید تحمل می کردند، و در روان خانواده هائی که در غم زندانی شدن، شکنجه دیدن و جان باختن کسان خود به سر می بردند نیز باقی گذاشت و مصائب بسیاری را برای آن ها به بار آورد.

مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، با گرمی داشتن خاطره همه جانبختگان راه آزادی و عدالت و با تهنیت به مقاومت زندانیانی که این دوران‌های سخت را پشت سر گذاشتند و شرف و عزت انسان را پاس داشتند و با همدلی با بازماندگان این جنایت‌ها، همچنان از گوهر آزادی اندیشه و بیان دفاع می‌کند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید، همچنان می‌کوشد، به منظور برقراری آزادی اندیشه و بیان در جامعه ایران، در صف مقدم پیکار آزادی‌خواهانه مردم عدالت خواه و برابری‌طلب ایران، به مبارزه خود علیه خفقان و سرکوب ادامه دهد.

نشست همگانی کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
۱۳-۱۵ ژوئیه ۲۰۰۷ - برلن

## اطلاعیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید) تشدید سرکوب و خفقان در ایران

هممیهنان و مردم آزادی‌خواه جهان!

خبرهای تازه‌ای که از ایران می‌رسد حاکی از آن است که جمهوری اسلامی، سرکوب و هجوم همه جانبه و تازه‌ای را به حقوق مردم ایران آغاز کرده است و با بستن روزنامه‌ها، سانسور و جمع‌آوری کتاب‌ها، تهدید و بازداشت نویسندگان و روزنامه نگاران، دستگیری فعالین جنبش کارگری، دانشجویی، اعتراضات معلمان، و سرکوب جنبش زنان و فعالین آن، اعدام و سنگسار، به دار آویختن جوانان زیر ۱۸ سال، و به طور کلی هجوم همه جانبه به حقوق مردم ایران در همه عرصه‌ها، بویژه آزادی سیاسی و اجتماعی، به تمامی مردم جامعه‌ی ما اعلام جنگ داده است. از جمله این هجوم‌ها می‌توان به موارد زیر که نمونه‌های کوچکی از پایمال شدن حقوق مردم ایران است، اشاره کرد:

\* دستگیری و دزدیدن فعالین جنبش کارگری مانند محمود صالحی، و منصور اصائلو و ایجاد شرایط جسمانی بسیار ناگوار برای سلامتی آنان در زندان. دستگیری تعداد بسیاری از فعالین جنبش دانشجویی در سالگرد حمله به خوابگاه کوی دانشگاه تهران، دستگیری فعالین جنبش زنان و صدور حکم محکومیت زندان و شلاق برای آن‌ها و دستگیری بیش از ۱۰۰ زن و دختر جوان در تهران، به بهانه «بدحجابی».

\* ابلاغ حکم اعدام به «عدنان حسن پور»، روزنامه نگار ساکن مریوان با عنوان مضحک اقدام علیه امنیت ملی.

\* دستگیری و محکومیت به اعدام «هیوا بوتیمار»، فعال مدنی و حقوق بشر در ارتباط با احزاب مخالف رژیم.

\* سنگسار یک مرد ۴۷ ساله در تاجیکستان.

\* دستگیری و صدور محکومیت اعدام برای یک نوجوان ۱۷ ساله به نام مصلح زمانی در سنجند.

\* دستگیری سه پژوهشگر از ایرانیان مقیم آمریکا به نام‌های رامین جهانبگلو، کیان تاج بخش و هاله اسفندیاری

که به ایران سفر کرده اند، به اتهام جاسوسی، و وادارکردن آنان به اعترافات شنیع تلویزیونی.

\* سحرگاه یک شنبه ۳۱ تیر ماه ۱۳۸۶، ۱۲ نفر در زندان به دار مجازات آویخته شدند.

سعید مرتضوی دادستان عمومی و انقلاب تهران گفت: پرونده ۱۷ نفر دیگر که برای آنان اعدام درخواست شده پرونده هایشان هم اکنون برای صدور رای نهایی در اختیار دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفته است. بنا به آمارهای منتشر شده در سال جاری تاکنون حدود ۱۹۰ نفر اعدام شده اند.

هدف جمهوری اسلامی، از توسل به شیوه‌های غیرانسانی و هجوم همه جانبه، به حقوق اولیه‌ی مردم، خاموش کردن صدای اعتراض مردم آزادی‌خواه است که در سراسر جامعه، آشکارا و پر صدا طنین افکنده است. اعتراضاتی که نشان دهنده‌ی خودکامگی و فساد رو به تزاید حکومتی است که برای مردم هیچ حقی قایل نیست.

در چنین شرایطی، کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، هم صدا با همه آزادی‌خواهان و مردم ایران، این موج جدیدی سرکوب و دستگیری‌ها، اعدام‌ها و ایجاد فضای رعب و وحشت را شدیداً محکوم می‌کند و تمام مردم آزادی‌خواه را فرا می‌خواند که با گوهر آزادی اندیشه و بیان، در روشن ساختن افکار عمومی مردم جهان نسبت به وضعیت دردناک مردم ایران بکوشند و سیاست‌های ضدانسانی و آزادی‌ستیز حکومت اسلامی را با نفرت پاسخ دهند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
۳۱ تیر ۱۳۸۶ - ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷

## کانون نویسندگان ایران (در تبعید) تلاش برای آزادی دانشجویان دربند را گسترش دهیم!

با آغاز فصل سرما و کمبود و یا قطع گاز و با گران شدن نان و دیگر مایحتاج روزمره مردم، به ویژه مردم استان-های مرکزی، شمال، آذربایجان و کردستان، در معرض خطر قرار دارند. بر اساس گزارشات رسمی، در طول کمتر از سه هفته بیش از دویست نفر در اثر سرما و یا گاز گرفتگی جان خود را از دست داده‌اند. این بحران، بار دیگر نشان داد که جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه به زیست و زندگی مردم بی توجه است.

در چنین شرایطی، مامورین نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، اعتراضات بر حق دانشجویان، کارگران، زنان و مردم آزادی خواه را به شدیدترین وجهی سرکوب می‌کنند. بنا به گزارش خبرگزاری‌ها فقط در سال ۲۰۰۸، مقامات قضایی جمهوری اسلامی، دست کم ۲۳ نفر را به دار آویخته‌اند.

- تصویر تکان دهنده‌ای از صحنه حلق آویز کردن «حسن حکمت دمیر»، یک تبعه ترکیه و عضو یک سازمان کردی (پژاک) در سایت‌های اینترنتی منتشر شده است. در این صحنه هولناک، جنایت کاران جمهوری اسلامی، این فرد مجروح را که به اسارت سپاه پاسداران در آمده و روی پرنکار مخصوص حمل مجروحان قرار دارد، حلق آویز می‌کنند. این فرد تبعه ترکیه را در حالی اعدام کردند که وی قبل از بازداشت، مدتی را در برف و سرمای شدید بسر برده و هر دو پایش را در اثر سرمازدگی از دست داده بود و در طی دوران بازداشت هم در حالی که به درمان و استراحت نیاز داشت، تحت بازجویی و آزارهای روحی و جسمی قرار گرفته بود. «حسن حکمت دمیر»، در روزهای گذشته و در زندان شهر خوی اعدام شده است. پیش‌تر سازمان عفو بین‌الملل خواستار مداوا و لغو حکم اعدام وی شده بود.

- در حالی که بیش از ۴۵ روز از بازداشت ده‌ها فعال دانشجویی آزادی‌خواه و چپ‌می‌گذرد، خبرهای تازه حاکی از آن است که عده دیگری از فعالین جنبش دانشجویی و یا خانواده آن‌ها دستگیر و زندانی کرده‌اند.

- بر اساس گزارش وبلاگ‌ها و رسانه‌های دانشجویی، ماموران اطلاعاتی جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۸۶ (۱۴ ژانویه ۲۰۰۸) ۱۲ تن دیگر از دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب و چپ را در تهران دستگیر کرده‌اند. خانواده‌های بازداشت‌شدگان، هنوز اطلاعی از علت بازداشت و مکان نگهداری آن‌ها ندارند.

دانشجویان بازداشت‌شده عبارتند از: مرتضی اصلاحچی، دانشجوی فلسفه دانشگاه علامه، آناهیتا حسینی، دانشجوی دانشگاه تهران، سروش ثابت، دانشجوی علوم کامپیوتر دانشگاه شریف، محمد پورعبدالله، مهندسی شیمی دانشگاه تهران، ساناز اللهیاری خواهر مهدی اللهیاری، امین قضایی، سروش دشتستانی، بیتا صمیمی زاده، بیژن پورصباغ، کاوه عباسیان، مرتضی خدمایلو و بهزاد باقری.

احتمالاً شمار دیگری از فعالان دانشجویی نیز دستگیر شده‌اند، اما از سرنوشت هیچ یک از بازداشت‌شدگان خبری در دست نیست. با این بازداشت‌های جدید تعداد دانشجویان زندانی در سراسر ایران، بالغ بر ۶۰ نفر شده است.

- علاوه بر این‌ها، لیلا حیدری، همسر بهروز صفری، از فعالین سیاسی آذربایجان، مندرس عمرزاده، پدر دانشجوی زندانی دانشگاه مهاباد، فرزند عمرزاده، چهارتن از اعضای خانواده فعال سیاسی کردستان، احمد جوهری و فاطمه گفتاری، مادر یاسر گلی، دانشجوی دربند سنجی از جمله کسانی هستند که در روزهای اخیر به دلیل اعتراض به زندان و شکنجه نزدیکان خود، دستگیر و زندانی شده‌اند.

- خانواده‌های دانشجویان بازداشت‌شده، پس از ۴۵ روز اعتراض و تلاش، سرانجام روز ۱۵ ژانویه ۲۰۰۸ در زندان اوین، موفق به ملاقات با فرزندان خود شدند. به گفته خانواده دانشجویان، تعدادی از بازداشت‌شدگان از دو روز پیش به سلول‌های ۲-۳ نفره منتقل شده‌اند و سایرین هم چنان در سلول انفرادی نگهداری می‌شوند.

- همچنین، خانواده مهدی گرایلو (دانشجوی دانشگاه تهران)، سهراب کریمی از دانشجویان کرد بازداشت‌شده و نادر احسنی، با وجود حضور در زندان اوین، امکان ملاقات با فرزندان خود را بدست نیاوردند. مسئولین وزارت اطلاعات به خانواده این سه دانشجو اعلام کردند که «آن‌ها ممنوع الملاقات هستند.» از وضعیت سعید حبیبی از فعالان دانشجویی بازداشت‌شده، همچنان اطلاعی در دست نیست.

- «امیر مهرزاد»، دانش آموز ۱۷ ساله که در جریان برگزاری مراسم روز دانشجو در ۱۳ آذر بازداشت شده بود، در بند ۲۰۹ زندان اوین به سر می‌برد. «امیر مهرزاد» را بیش از ۴۵ روز در سلول انفرادی زندان اوین قرار داده بودند و اکنون دادگاه جمهوری اسلامی، برای وی وثیقه ۸۰ میلیون تومانی تعیین کرده است و تنها در صورت تامین وثیقه این نوجوان آزاد خواهد شد.

- بنا به توصیه پزشک معالج «محمود صالحی»، این چهره سرشناس جنبش کارگری می‌بایست جهت انجام آزمایشات مربوط به قلب، مجدداً به بیمارستان توحید سنج انتقال داده شود، اما انتقال وی به بیمارستان توحید

صورت نگررفت. آزمایشات لازم در بهداری زندان صورت گرفت. منصور اساتلو، رییس سندیکای کارگران شرکت واحد نیز هم چنان زندانی است.

در اعتراض به همین وضعیت، تشکلهای دانشجویان ۳۷ دانشگاه ایران با صدور بیانیه‌ای به موج جدید سرکوب فعالین دانشجویی اعتراض کرده و از جمله نوشته‌اند: «پس از دیدار وزیر علوم دولت نهم طی هفته‌های اخیر با برخی تاثیرگذاران پشت پرده سیاست، که دستی بر مذهب دارند و ردایی در حوزه و چشمی بر قدرت، افزایش حجم فشار در دانشگاه‌ها و احضار و تعلیق و بازداشت فعالین دانشجو گسترش یافته و شائبه تولد اراده‌ای در ایجاد محدودیت‌های مضاعف و موج جدید سرکوب در دانشگاه را دامن زده است.»

در ادامه این بیانیه با اشاره به بازداشت گسترده دانشجویان در سالروز ۱۶ آذر، و «آنچه این روزها در دانشگاه‌های کشور می‌گذرد»، آمده است: «به سرکوبگران عقل ستیز باید گفت که اقدام به برگزاری سمینار، سخنرانی و مناظره و هرگونه عمل مشابه در دانشگاه با پیش فرض «وجود خرد نقاد خودبنیاد» نزد دانشجویان در نهاد مدرن دانشگاه است که فرض وجود «آزادی بیان» و «انتقاد آزاد» در آن بدیهی است. سایه افکندن هرگونه تفقید و شرطی بر این ارکان مسلم نهاد دانشگاه عنصر بالندگی و خلاقیت خردمدار دانشجو را خدشه دار خواهد ساخت. و جنگیدن با این عناصر و ارکان گرچه آسمان آرمان‌های دانشجوی آزادی خواه را اندک زمانی غبارآلود می‌کند، اما ایمان و روح آرمانگرایی او از فریاد مطالباتش سر نمی‌تابد و تقدیر محتوم نام و عاقبتی تنگین و میراثی ویران را نثار خردستیزان خواهد نمود.»

سرکوب آزادی‌ها و فضای اختناق در جامعه ما روز به روز در حال گسترش است. همه شواهد نشان می‌دهند که سرکوب، سانسور، بی‌عدالتی از یک سو و تورم و گرانی و فقر و فلاکت تمام جامعه ایران را فراگرفته و به مرز غیرقابل‌تحملی رسیده است. عامل اصلی این وضعیت جمهوری اسلامی ایران است.

فشار و خفقان سیاسی و فقر و بی‌عدالتی حکومت اسلامی، همه گیر شده است. سیاهی و ظلمات جامعه را به نابودی و پوچی کشانده است. رعب و وحشت تاکان دهنده و هولناک است. در چنین وضعیتی حتی بسیاری از نویسندگان، علاوه بر سانسور شدید حکومتی، به خودسانسوری نیز دچار شده‌اند. به طور کلی زندگی در حاکمیت جمهوری اسلامی، لرزه بر اندام هر انسانی می‌اندازد. این وضعیت غیرقابل تحمل است. بی‌شک باید برای تغییر اوضاع در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به نفع رفاه و شادی و آزادی‌های فردی و اجتماعی جامعه ایران تلاش و مبارزه را گسترده‌تر کرد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، ضمن حمایت و پشتیبانی از مبارزاتی که در داخل و خارج کشور برای آزادی فعالین دانشجویی، کارگری، زنان و روزنامه‌نگاران از زندان‌های مخوف جمهوری اسلامی در جریان است؛ از تمامی انسان‌های آزادی‌خواه، تشکلهای نویسندگان و روزنامه‌نگاران جهان، سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر، تشکلهای و نهادهای دموکراتیک سیاسی و اجتماعی، و همچنین اعضای کانون نویسندگان ایران (در تبعید) دعوت می‌کنیم که تشدید فضای اختناق و سانسور و سرکوب در ایران را محکوم کنند و از هر طریق ممکن برای آزادی دانشجویان، زنان، کارگران، روزنامه‌نگاران دربند و همه زندانیان سیاسی تلاش کنند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

۲۶ دی ۱۳۸۶ - ۱۶ ژانویه ۲۰۰۸

## برای رهایی دانشجویان و نویسندگان دربند و زندانیان سیاسی بکوشیم!

بشری که حق اظهار عقیده و بیان فکر خود را نداشته باشد موجودی زنده محسوب نمی‌شود. «مونتسکیو»

حکومت اسلامی ایران، با رشد و گسترش مبارزه بر حق و آزادی‌خواهانه نویسندگان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران، وبلاک‌نویسان و جنبش‌های اجتماعی (جنبش دانشجویی، جنبش کارگری، جنبش زنان) و مبارزه مردم جان به لب رسیده، سرکوب‌های خود را هر چه بیش‌تر عریان‌تر کرده است.

خبرها و گزارش‌های رسمی رسانه‌های حکومتی، پس از گذشتن از صافی سانسور روزمره خیرهایی درباره شکنجه و اعدام، توهین به زنان و جوانان در خیابان‌ها، گرانی و تورم، فقر و فلاکت اقتصادی فزاینده، بیکاری، قطع گاز و برق در سرمای جان‌کاه، دزدی و اختلاس مدیران و مقامات دولتی، اعتصاب و اعتراض کارگران، و... منتشر می‌کنند.

هنوز ده‌ها تن از فعالین چپ و آزادی‌خواه جنبش دانشجویی که در مقطع ۱۶ آذر امسال دستگیر شده‌اند در زندان‌ها به سر می‌برند.

شکنجه گران حکومت اسلامی، ابراهیم لطف‌اللهی دانشجوی ترم ۵ دانشکده حقوق سنندج، که از روز ۱۶ دی ۱۳۸۶ در سر جلسه امتحان بازداشت کرده بودند، زیر شکنجه به قتل رساندند. روز ۲۵ دی ۱۳۸۶، به خانواده این دانشجو، اطلاع داند که پسرشان در زندان خودکشی کرده است و برای تحویل گرفتن جسدش به گورستان مراجعه کنند. علی‌رغم حضور خانواده‌اش در گورستان، مأمورین از تحویل جسد امتناع ورزیدند و در ساعت ۱۱ همان شب جسد را دفن کردند و روی قبرش بتون ریختند. نیکبخت، وکیل خانواده لطف‌اللهی خواستار نبش قبر و کالبد شکافی شده است. اگر پرونده قتل «زهر کازمی»، خبرنگار ایرانی - کاندایی و یا پرونده قتل خانم دکتر «عامری» که در زندان امر به معروف همدان به قتل رسید به سرانجام رسید؟ پرونده این قتل و حشیانه نیز به سرانجام خواهد رسید؟!

حکومت اسلامی، حتی روزنامه‌های «خودی» را نیز می‌بندد. روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان را زندانی، کتاب‌ها و فیلم‌ها را شدیداً سانسور می‌کند. نمونه‌هایی از سانسور و اختناق و تعقیب روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان در ماه‌های اخیر توسط ارگان‌های سرکوب حکومت اسلامی عبارتند از:

- جلسه رسیدگی به اتهامات احمد خادم الله، مدیر مسئول نشریه «پیام ایران خودرو»، خلیل خشخاشی مقدم مدیر مسئول روزنامه «اسرار»، مصطفی خاتزادی مدیر مسئول روزنامه توقیف شده «وقایع اتفاقیه»، قلی شیخی مدیر مسئول روزنامه «توسعه»، امیر سعید نقی زاده مدیر مسئول روزنامه ورزشی «البرز»، عباس معصوم زاده مدیر مسئول هفته نامه «سپیدار»، مصطفی کواکبیان مدیر مسئول روزنامه «مردم سالاری»، مصطفی کزازی مدیر مسئول روزنامه «صدای عدالت»، رجب رحمانی مدیر مسئول نشریه «تاک»، پیروز حناچی مدیر مسئول فصلنامه «آبادی»، فضل الله باقر زاده مدیر مسئول روزنامه ورزشی «اندیشه ورزش»، محمد حسین دریاباری مدیر مسئول هفته نامه توقیف شده «گویه»، برهان لهنوی مدیر مسئول هفته نامه توقیف شده «آشتی» و... برگزار شد.

- کیوان صمیمی، مدیر مسئول ماهنامه توقیف شده «نامه»، الیاس حضرتی مدیر مسئول روزنامه «اعتماد»، مدیر مسئول نشریه «موج اندیشه»، هوشمند سفیری مدیر مسئول روزنامه «آرمان»، علی صالح آبادی مدیر مسئول روزنامه «همبستگی»، سیدعلی موسوی نور مدیر مسئول نشریه محلی «عصر روشنگری» کهگیلویه و بویر احمد، عبدالله سهرابی مدیر مسئول نشریه «روزه لات»، فرزانه خرقانی مدیر مسئول روزنامه توقیف شده «روزگار» و... به دادگاه احضار شدند.

- صدیق مینایی، عضو هیات تحریریه هفته نامه توقیف شده «ناسو»، به پرداخت ۲۰ میلیون ریال جزای نقدی، اجلال قوامی از اعضای تحریریه هفته نامه «پیام مردم کردستان» به سه سال حبس، سعید ساعدی به دو سال و نیم حبس، کاوه جوانمرد روزنامه نگار هفته نامه «کار فتو» «از سوی دادگاه سنندج به دو سال زندان. کاوه، از زندان سنندج به زندان مراغه تبعید شد.

- حکم توقیف روزنامه «آشتی» برای تجدید نظرخواهی به دیوان عالی کشور ارجاع شد. دادگاه تجدید نظر استان کردستان، مقرر می‌دارد: «هرگاه در نشریه ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی می‌شوند.»

- سعید متین پور، روزنامه نگار و فعال حقوق بشر زنجانی در رشته فلسفه و از جمله فعالان حرکت سیاسی آذربایجان، زندانی است.

- روزنامه «آریا» (از سوی هیات نظارت بر مطبوعات وزارت ارشاد اسلامی لغو امتیاز شد).  
- ماموران دادستانی استان سیستان و بلوچستان به دفتر هفته نامه «عیاران» مراجعه و این نشریه را توقیف و دفتر آن را پلمب کردند.

- مهرانوش سلوکی، دانشجوی رشته روزنامه نگاری - ایرانی تبار دارای تابعیت فرانسه -، بارها احضار و مورد بازجویی قرار گرفته است.

- احضار آسو صالح، خبرنگار هفته نامه «دیدگاه»، زیر حجتی سردبیر و کرم الله محمدی خواه نویسنده نشریه محلی «عصر روشنگری» کهگیلویه و بویر احمد.

- مهدی بوتراپی، مدیر پرشین بلاگ، بازداشت شد.  
- پرونده یعقوب یاد علی، نویسنده «آداب بیقرار» به دادگاه کیفری شهرستان یاسوج ارجاع شد.

- مدیر سایت انتخاب به حبس محکوم شد. پرونده ای به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و توهین برای مدیر سایت خبری انتخاب با شکایت انصار حزب‌الله در دادسرای تهران تشکیل شد. قاضی حسینیان پس از بررسی و انجام تحقیقات، فقیهی را به ۴ ماه حبس در مورد اتهام نشر اکاذیب و ۱۰۰ هزار تومان جزای نقدی در مورد اتهام توهین، محکوم کرد.

- ابوالفضل عابدینی نصر، ۲۵ ساله روزنامه نگار هفته نامه بهار اهواز در تاریخ سه شنبه ۲۲ آبان در اهواز دستگیر شد. بنا بر گفته خانواده این روزنامه نگار، وی به هنگام خروج از دفتر هفته نامه بهار اهواز توسط مأموران وزارت اطلاعات در خیابان مورد ضرب و شتم و سپس دستگیر و به محل نامعلومی انتقال یافته است. این

روزنامه نگار در آذر ماه سال ۸۴ به مدت ۵ ماه بازداشت شده و در تابستان گذشته نیز به هنگام پوشش خبری اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه دو بار دستگیر شده بود.

- در ۲۲ آبان ماه اعلام شد سه روزنامه نگار روزنامه گیلان امروز و دیگر نشریات این استان با حکم شعبه ۱۰۶ دادگاه جزایی رشت به زندان محکوم شده اند. بنا بر این حکم، آرش بهمنی، به ۱۶ ماه و بابک مهدی زاده و کوهزاد اسماعیلی به ۴ ماه زندان محکوم شده اند. اتهام این روزنامه نگاران «توهین به امام زمان و نشر اکاذیب» اعلام شده است. اما در اصل این پرونده در ارتباط با سفر رئیس جمهور ایران به استان گیلان و انتقادات روزنامه نگاران از سیاست های دولت احمدی نژاد است. در پی این سفر در بهمن ماه سال گذشته این سه روزنامه نگار بازداشت و زندانی شده بودند.

- در روز پنج آذرماه، ماموران اداره اطلاعات سنندج، امید احمد زاده روزنامه نگار هفته نامه های دیدگاه و ناسو را پس پارزرس منزلش بازداشت کرده و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

- عادل مزاری بر اساس شکایت استانداری سیستان و بلوچستان و نیروی انتظامی، صبح ۱۷ آذر ماه ۱۳۸۶، به شعبه ویژه جرائم امنیتی دادسرای عمومی و انقلاب زاهدان احضار و سپس به دستور بازپرس بازداشت و روانه زندان مرکزی زاهدان شد. مدیر مسئول صبح زاهدان به اتهام تشویش آذهان عمومی از طریق انتشار مطالب در نشریه خود احضار گردید و سپس بازداشت شد.

- رضا ولی زاده، روزنامه نگار و وبلاگ نویس، پس از دو هفته بازداشت با سپردن وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد.

- حکم محکومیت محسن اشرفی، مدیر مسئول روزنامه توقیف شده «بنیان» از سوی دادگاه تجدیدنظر استان تهران قطعی شد. قاضی حسینیان، محسن اشرفی را به اتهام «نشر اکاذیب به قصد تشویش آذهان عمومی» و «توهین به مراجع» به پرداخت ۱۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم و امتیاز این نشریه را نیز لغو کرده بود، حکم صادره از سوی شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران تایید شد.

- ماهنامه «زنان» (وابسته به فمینیست های اسلامی)، پس از ۱۶ سال انتشار لغو امتیاز شد. دلایل لغو امتیاز آن، توسط یکی از مقامات حکومت اسلامی، «به مخاطره انداختن سلامت روحی، فکری و روانی مخاطب»، «القای این که امنیت در جامعه وجود ندارد» و «سیاه نمایی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی» اعلام شده است.

- حمید آرغیش (رستمی) شاعر، نویسنده و روزنامه نگار آذربایجانی، توسط دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان خوی به یک سال حبس تعزیری، دو سال تبعید به بیجار و سه سال ممنوعیت نشر آثار محکوم شد. آرغیش، نویسنده چندین کتاب داستان به زبان ترکی از جمله «... و سنین حکایه لیم»، «قارلی ارک» و «حیکایه لر توپلوسو» می باشد.

- شیرزاد حاجیلو، دبیر مؤسسه غیر دولتی «اورین»، از روز ۲۰ آذر ۱۳۸۶ در خوی زندانی شد.

- امین قضایی، یکی از نویسندگان ثابت نشریات دانشجویی «خاک» و پس از آن «طلوع» بوده است. وی همچنین وبلاگی به نام «بافنده» دارد؛ روز دوشنبه ۲۴ دی ماه توسط نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی دستگیر شد. طبق اظهارات خانواده وی، نیروهای اطلاعاتی به محل سکونت امین قضایی یورش آورده و وسایل شخصی او را مورد بازرسی قرار دادند. امین قضایی چند کتاب از جمله «مانیفست سایبرگ» و «آشفستگی جنسیت» (نوشته جودیت باتلر) و «اغوا» (نوشته بودریار) را نیز به فارسی ترجمه کرده است.

- وزارت ارشاد اسلامی در ایران، از صدور مجوز برای چاپ دوم تازه ترین کتاب گابریل گارسیا مارکز، رمان نویس مشهور کلمبیایی خودداری کرد. اواخر آبان ماه ۱۳۸۶، مدیر اداره کل امور کتاب و کتاب خوانی وزارت ارشاد، کتاب توقیف شده «خاطره دلبران غمگین من» نوشته گابریل گارسیا مارکز را از کتابفروشی ها جمع کرد. همچنین یکی از کارمندان این اداره کل که کار ممیزی رمان را انجام داده، از کار برکنار شد.

محمدحسین صفار هرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، پس از این که یکی از سایت های خبری انتشار این رمان را مورد انتقاد قرار داد، دستور لغو مجوز کتاب را صادر و انتشار آن را یک غفلت خواند.

- انتشارات اندیشه نو که سال های پی در پی در چاپ کتاب های ترکی فعالیت داشت روز جمعه ۱۶/۹/۸۶ از سوی اداره اطلاعات استان تهران پلمپ شد. یوسف فرزانه، مدیر انتشارات اندیشه نو در مصاحبه با خبرنگار وبلاگ دوستاق گفت: «اداره اطلاعات استان تهران طی یادداشتی به اینجانب توزیع تقویم ترکی در این انتشارات را غیرقانونی اعلام نموده و اقدام به پلمپ انتشارات نموده است.» انتشارات اندیشه نو یکی از قدیمی ترین انتشاراتی هایی است که اقدام به چاپ کتب به زبان ترکی آذربایجانی می نمود.

- از ۱۷ تا ۲۱ آبان نمایشگاه هنر و هنرمندان در تبریز برپا شد که در آن چندین گروه رقص و موسیقی حضور داشتند. روز ۱۹ آبان افرادی از اماکن تبریز به نمایشگاه آمده و به غرفه داران هنری تذکر دادند غرفه های خود را جمع کنند. روز سه شنبه (۲۰ آبان) ماموران اماکن به آموزشگاه های هنری (موسیقی) مراجعه کرده و به زور وارد کلاس ها شده و شروع به بهانه گیری در مورد این که چرا دختران بدون همراه به آموزشگاه می آیند و چرا اصلا دختران با معلمان مرد آموزش می بینند. رئیس ارشاد تبریز، یک سردار سپاهی است.

- ارگان های سرکوب حکومت اسلامی، حتی وکلایی که از آزادی های فردی و اجتماعی و دفاع از نویسندگان و روزنامه نگاران و فعالین سیاسی زندانی را به عهده می گیرند تحت فشار و مورد تعقیب قرار می دهند. پروانه وکالت

مصطفی دانشجو، وکیل دراویش گنابادی لغو و تحت تعقیب قرار گرفته است. خلیل بهرامیان، به دلیل دفاع از برخی پرونده‌های سیاسی، تحت تعقیب قرار گرفته است. حیدر قلی سلطانی، در زندان امنیتی در بازداشت به سر می‌برد. عبدالفتاح سلطانی، به اتهام توهین به دادستان تهران (سعید مرتضوی) در دادگاه عمومی تحسنت فشار قرار گرفته و کلیه اموال و اسناد هویتی از جمله شناسنامه و گذرنامه وی ضبط شده است.

... -

علاوه بر این ها حکومت اسلامی، همواره سعی می‌کند فرهنگ و هنر را در خدمت اهداف سرکوبگرانه خویش به کار بگیرد. سردار اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی، دوشنبه ۱۹ آذر ۱۳۸۶، گفت: «شعرهایی در جامعه ماندگار است که از منبع توحید سروده شود.» فرمانده نیروی انتظامی تاکید کرد: «شعر و فرهنگ بعنوان یک زبان قوی و مستحکم باید در خدمت امر به معروف و نهی از منکر قرار گیرند و در همین رابطه پلیس باید با استفاده از زبان پر برد هنر شعر در بر قراری امنیت استفاده نماید.»

حکومت اسلامی، علاوه بر تعطیلی روزنامه‌ها و زندانی کردن روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان، و همچنین تعطیلی ۴۳ تشکل دانشجویی و بازداشت بیش از ۶۰ دانشجو در مقطع ۱۶ آذر ۱۳۸۶، هم چنان فعالان کارگری از جمله محمود صالحی و منصور اسانلو را با وجود بیماری آزاد نمی‌کند. علی اکبر باغانی، رئیس کانون صنفی معلمان و نورالله اکبری عضو هیات مدیره این کانون، هر کدام به ۵ سال حبس محکوم شده‌اند. دستگیری رهبران کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه، شکنجه و زندانی کردن آنان، اخراج بیش از ۲۰۰۰ نفر فقط از کارگران این واحد صنعتی، سه ماه حبس تعزیری به ابوالفضل جهاندار به اتهام توهین به رئیس جمهور و شورای نگهبان، یک سال حبس تعزیر و ۳ سال حبس تعلیقی به دکتر کیوان انصاری، زندانی کردن روناک صفازاده از فعالان حقوق زنان، نمونه‌ها و گوشه‌های دیگری از سانسور و اختناق و سرکوب حکومت اسلامی هستند.

شایان ذکر است که از زمان ریاست محمود احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴، مطبوعات و نویسندگان و روزنامه نگاران با فشارها و محدودیت‌های زیادی روبرو شده و به گزارش سازمان‌های حقوق بشری، روزنامه نگاران با سانسور گسترده و مجازات زندان به دلیل نوشته‌های خود دست به گریبان اند. بیش از ۵۰ روزنامه نگار در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد روانه زندان شده‌اند.

در چنین شرایطی، احمدی نژاد و سردار صفارهرندی وزیر فرهنگ و ارشاد و سردبیر سابق کیهان، روزنامه‌ها و مجله‌ها را یکی پس از دیگری می‌بندند و روزنامه نگاران را تحت تعقیب قرار می‌دهند، به حسین شریعتمداری، نماینده رهبر در کیهان، و مدیر مسئول روزنامه رسالت جایزه می‌دهند و برای دو روزنامه جدید دولتی، به سرپرستی سرداران سابق سپاه پاسداران نیز اجازه انتشار می‌دهند.

گفتنی است که عدنان حسن پور و هیوا بوتیمار دو روزنامه نگار کرد که ۱۱ ماه پیش از سوی نیروهای امنیتی ایران دستگیر شده بودند، چهار ماه پیش از سوی دادگاه انقلاب شهر مریوان به اتهام «محرابه با خدا» به اعدام محکوم شدند، اما حکم اعدام بوتیمار اواخر مهر ماه لغو شد.

همزمان با اوج گیری سرکوب‌ها و ایجاد جو رعب و وحشت در داخل کشور، نویسندگان و شاعران و هنرمندان و فعالین سیاسی حتی در خارج از کشور نیز به اشکال مختلف توسط عوامل امنیتی حکومت اسلامی مورد تهدید قرار می‌گیرند.

حکومت اسلامی، با به گروگان گرفتن خانواده‌ها و بستگان فعالین عرصه‌های فرهنگی و سیاسی (حتی با تصرف اموال و املاکشان) می‌کوشد آنان را به سکوت و خود سانسوری بکشاند. حرکتی غیرانسانی که بعد تازه‌ای به خود گرفته است.

آن چه که ملاحظه کردید فقط نمونه‌ها و گوشه‌هایی از انبوه جنایت، سانسور و جنگ حکومت اسلامی علیه آزادی اندیشه، بیان، قلم و تشکل است.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، ضمن محکوم کردن سانسور و اختناق و جنایات حکومت اسلامی، از اعضای کانون، کانون‌ها و انجمن‌های نویسندگان و روزنامه نگاران، احزاب و سازمان‌های مترقی، نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر، روزنامه نگاران بدون مرز، تشکل‌های دانشجویی، اساتید دانشگاه‌ها، و از همه انسان‌های آزاده انتظار دارد که از هر طریق ممکن برای آزادی نویسندگان، روزنامه نگاران، فعالین دانشجویی، کارگری، زنان و آزادی همه زندانیان سیاسی و لغو هرگونه شکنجه روحی و جسمی، اعدام و سنگسار در ایران بکوشند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

نوزدهم بهمن ۱۳۸۶ - هفتم فوریه ۲۰۰۸



## صدمین سال هشت مارس، روز جهانی زن را به همه انسان‌های برابری طلب شادباش می‌گوییم!

از بس واسه هیچ و پوچ رنج کشیدیم دیگه ذله شدیم  
واسه زندگی کردن پاک آس و پاسیم؛  
هیچ وقت نشده که یه ساعت فرصت فکر کردن داشته باشیم  
می‌خواهیم تابش آفتاب را حس کنیم:  
می‌خواهیم گل بو کنیم

این شعر را کارگران اعتصابی آمریکا در اوایل قرن نوزدهم می‌خواندند. اکنون از ۸ مارس ۱۹۰۸ که زنان کارگر نساجی نیویورک در اعتراض به ساعات کار طولانی، دستمزد کم، متوقف کردن کار کودکان و بهبود شرایط کار و زندگی بهتر، دست به اعتصاب زدند، صد سال می‌گذرد.

کارفرما تلاش کرد از همبستگی سایر کارگران با اعتصابیون جلوگیری کند، درهای کارخانه را بست که سرانجام در اثر آتش سوزی، ۱۲۹ کارگر زن اعتصابی جان باختند و تنها تلی چند از اعتصابیون از این آتش‌سوزی جان سالم به در بردند. مبارزه کارگران جهان، به ویژه زنان و حقوق برابر آنان با مردان با جدیت در انترناسیونال اول و دوم پیگیری می‌شد.

کلارا زتکین، یکی از رهبران کمونیست آلمانی، در دومین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست در تاریخ ۲۷ اگوست ۱۹۱۰ در کپنهاگ دانمارک که در آن ۱۰۰ زن نماینده از ۱۷ کشور شرکت کرده بودند، پیشنهاد ۸ مارس را داد که مورد تصویب قرار گرفت. قرار شد در ۸ مارس هر سال زنان به خیابان «روز جهانی زن» به عنوان بیابند و در راستای تحقق حقوق خود دست به راهپیمایی بزنند.

بعد از یک سال مبارزه، جنبش جهانی زنان در مبارزه تنگاتنگ با جنبش سوسیالیست کارگری محورهای مبارزه خود را چنین اعلام کرد:

۱- مزد برابر برای کار برابر ۲- برابری در بازار کار ۳- و تقویت مبارزه علیه تبعیض.  
بعدها موارد دیگری همچون مبارزه برای فرصت‌های شغلی برابر، حق رای برای زنان، حمایت قانونی و تامین اجتماعی به آن اضافه شد. بنابراین، هشت مارس، روز جهانی زن، در اثر مبارزه مشترک و پیگیر گرایش سوسیالیست کارگری درون جنبش کارگری علیه هرگونه ستم و نابرابری و استثمار سرمایه‌داری و طبقاتی تحقق یافته است.

در حالی ما به استقبال صدمین سال هشت مارس می‌رویم که هنوز زنان، حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی حقوق برابر در ازای کار برابر با همکاران مرد خود ندارند و در سراسر جهان به طور نسبی در برابر کار برابر بین ۵۰ تا شده است. کار کسالت‌آور خانگی را عمدتاً زنان به عهده دارند. فقر در جهان زنان را خانه‌نشین کرده است و یا پس از کار روزانه آن‌ها باید به کارهای خانه نیز برسند. مردسالاری که زاینده سیستم سرمایه‌داری و طبقاتی است از قدرت ویژه و حتی از حمایت‌های بی‌دریغ دولت‌ها نیز برخوردار است.

برای اولین بار در ایران، زنان عضو حزب کمونیست ایران، در سال ۱۹۲۱ روز جهانی زن را در انزلی جشن گرفتند. اتحادیه غیبی زنان در انقلاب مشروطیت فعال بود و شبکه‌هایی از زنان در شهرهای مختلف تشکیل داده بود و تظاهرات بسیاری را سازمان می‌داد؛ به ویژه در انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، زنان جانفشانی‌های زیادی از خود نشان دادند اما پس از پیروزی انقلاب و با قدرت‌گیری گرایش ارتجاعی اسلامی، حمله به زنان آغاز شد و بیست و نه سال است که سرکوب سیستماتیک زنان توسط حکومت اسلامی در جریان است. اما زنان، مرعوب این فضای رعب و وحشت حکومت اسلامی نشده‌اند و همچنان به مبارزه آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه خود ادامه می‌دهند.

نگاهی کوتاه به کارنامه سیاه و خرافی پرست این حکومت نشان می‌دهد که:  
حکومت اسلامی زن ستیز است، در همه زمینه‌ها. زنان حق طلاق ندارند. زنان فاقد هر حقی در مورد فرزندان خویشانند. حتی سرپرستی فرزندانشان... الیگارشی آخوندی تبعیض در دانشگاه‌ها را جنبه قانونی داده است و تحت عنوان سهمیه جنسیتی حقوق طبیعی زنان صاحب اندیشه را تضييع می‌کند.

زنان ایران همواره مورد توهین، تحقیر و ایذاء و «بدحجابی» و «مفاسد اجتماعی» به بهانه آخوند ساخته آزارهای روانی و جسمی قرار می‌گیرند. در زمینه‌های حقوقی و ارث، زنان نیم مردان محسوب می‌شوند. زنان از فعالیت در بسیاری مشاغل و رقابت در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و ورزشی منع شده‌اند.

امروز مبارزه در جهت رهایی زن، یکی از عرصه‌های مهم آزادی جامعه است. به بیان دیگر اگر در جامعه‌ای زنان آزاد و حقوق برابر با مردان نداشته باشند در آن جامعه، آزادی گوهری نایاب است. ما روز هشت مارس را به همه زنان و مردان آزادی‌خواه و برابری‌طلب شادباش می‌گوییم و از مبارزات شجاعانه و حق‌طلبانه آنان پشتیبانی می‌کنیم. به امید این که جامعه‌ای در ایران بسازیم که عاری از هرگونه سرکوب و سانسور، ستم و تبعیض، و بهره‌کشی باشد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
مارس ۲۰۰۸

## اعضای کانون نویسندگان ایران (در تبعید) با دروهای فراوان

هموندان عزیز، همان طور که مطلع هستید هیئت دبیران کانون در روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ آوریل ۲۰۰۸، شب‌های همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند برگزار می‌کند. (بیانیه کانون در این مورد ضمیمه است)

ما صرفاً به دلیل محدودیت‌های مالی این برنامه را به اعضای و یا حتی غیراعضای کانون در سوند محدود کرده‌ایم. از این رو، پیشنهاد ما به اعضای کانون در کشورهای دیگر این است که اگر علاقمند هستند پیام کتبی خود را به ما ارسال دارید تا در این مراسم‌ها قرائت کنیم. حتی اگر نویسندگان و هنرمندانی که با شما در ارتباطند و عضو کانون هم نیستند پیام بدهند هیچ اشکالی ندارد. دوستانی که پیام می‌فرستند محدودیت زمانی را در نظر بگیرند و پیام‌شان کمتر از یک صفحه آ باشد.

لطفاً پیام‌های خود را مستقیماً به آقای بهرام رحمانی که از سوی هیئت دبیران مسئولیت سازماندهی این شب‌ها را عهده دار شده است ارسال دارید. امیل ایشان: [bamdadpress@ownit.nu](mailto:bamdadpress@ownit.nu)

پس از پایان این مراسم‌ها، پیام‌های رسیده نیز همراه با گزارش کانون در سایت کانون و سایت‌های دیگر منتشر خواهد شد.

با دروهای مجدد  
هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
۲۰ آوریل ۲۰۰۸

## کانون نویسندگان ایران (در تبعید) برگزار می‌کند: شب‌های همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان در بند

هر شب ستاره‌ای به زمین می‌کشند و باز  
این آسمان غم زده غرق ستاره‌هاست

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، در راستای اهداف و برنامه‌های خود، در کنار دفاع از آزادی‌های بی حد و حصر قلم و بیان، پشتیبانی و حمایت از حرکت‌هایی که فریاد آزادی‌خواهانه و حق‌طلبانه شهروندان داخل کشورمان را به گوش جهانیان می‌رساند، از جمله وظایف خویش می‌داند. واقعیت دردناک روزگار کانون کشورمان تحت حاکمیت آزادی‌کش اسلامی، چنان است که خفقان و سرکوب و به قهقرا کشاندن فرهنگ و ادب و هنر ایران با وسعت فاجعه باری که داشته و دارد، قباحت و زشتی خود را از دست داده است. سیاست‌های به غایت عقب مانده و خرافاتی حکومت اسلامی، نه تنها به تخریب فرهنگ و ادب سرزمینمان پرداخته، بلکه روزی نیست که در بی دادگاه‌های اسلامی، فرهیختگان، آزادی‌خواهان و دانشجویان به جان آمده از خفقان و سرکوب، قربانی نشوند.

در ایران اسلامی، قلم مصلوب است و پرنده آزادی خونین بال در فریادهای خشم آگین آزادی خواهان، نویسندگان، شاعران و هنرمندان مترقی و مسنول حق بایسته خویش را آواز می دهد.

سانسور و خفقان حکومت اسلامی، با همه سرکوب هایش، علی رغم سی سال از حاکمیت سیاه خویش، نشان از هراس و سرنگونی و بی ثباتی دارد و این نیز حاصل پایداری بی مانند زنان و مردان برابری طلب، کارگران، دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب است. هنوز خاوران های ایران گلگون و سرفراز خواب از چشمان کابوس زده حاکمان اسلامی زدوده است.

طی سال جدید حداقل ۳ روزنامه نگار، اسماعیل جعفری، سید ظهور نبوی چاشمی و رحیم غلامی بازداشت و مجوز انتشار ۴ نشریه لغو شده است. به دنبال شکایت بخش مطبوعات وزارت ارشاد به دادسرای کارکنان دولت، حکم لغو مجوز مجله «راه آینده» لغو شد. آخرین شماره مجله (شماره ۹)، ویژه نامه روز معلم و کارگر، قرار بود هفته آینده منتشر شود. در روز ۱۸ فروردین هیات نظارت بر مطبوعات که تحت ریاست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است، اعلام کرد که پروانه انتشار نشریات صبح ورزش، ایمن گستر، گزیده پژوهش های جهان و لاله، با استناد به ماده ۱۶ قانون مطبوعات لغو شده است. بنا به گزارش روزنامه نگاران بدون مرز، از آغاز سال میلادی ۲۰۰۸ تا امروز ۱۷ نشریه در ایران توقیف و یا لغو امتیاز شده است.

احسان منصوری، مجید توکلی و احمد قصابان، سه دانشجوی زندانی دانشگاه امیرکبیر در دادگاه تجدید نظر به بیست و دو تا سی ماه زندان محکوم شدند. علیرضا جمشیدی، سخنگوی قوه قضائیه حکومت اسلامی، گفته است: «دادگاه تجدید نظر، مجید توکلی را به سی ماه، احمد قصابان را به بیست و شش ماه و احسان منصوری را به بیست و دو ماه زندان محکوم کرده است.» اتهام های این سه دانشجو، تبلیغ علیه نظام، اهانت به مقدسات و نشر اکاذیب اعلام شده است. این سه دانشجو همه این اتهامات را رد کرده اند. خانواده های احسان منصوری، احمد قصابان و مجید توکلی پیش از این، با انتشار نامه ای تحت عنوان «رنجنامه» خطاب به آیت الله هاشمی شاهرودی، رییس قوه قضائیه، نوشته بودند، به ده مورد شکنجه جسمی و ۹ مورد شکنجه روحی که در مورد این دانشجویان اعمال شده، اشاره کرده اند. دادگاه انقلاب استان مرکزی، بعد از احضار مجدد عابد توانچه، حکم ۸ ماه حبس تعزیری را حضوراً به وی ابلاغ کرد.

مهندس ارژنگ داوودی که در تاریخ ۸۴/۶/۲۹ به زندان مرکزی بندر عباس تبعید شده بود اخیراً به دلایل نامعلومی به بند ۲ الف متعلق به اطلاعات سپاه پاسداران مستقر در زندان اوین منتقل گردیده است. عبدالفتاح سلطانی، وکیل مدافع ارژنگ داوودی، با ابراز نگرانی از وضعیت موکلش گفت هنوز اجازه نداده اند که وی پرونده آقای داوودی را مطالعه کند و به همین دلیل این پرونده هم چنان بلاتکلیف است. بنا به گفته وکیل وی، داوودی نیمه شب ۱۸ آبان ماه سال گذشته در تقاطع بلوار کشاورز- کارگر شمالی دستگیر شد و بنا بر اظهارات خودش او را در صندوق عقب یک پژو قرار داده و به جایی نامعلوم برده و مورد ضرب و شتم قرار داده اند. به گفته آقای سلطانی، بر اثر فشار جسمی پرده گوش راست ارژنگ داوودی پاره شده، چشم چپ او آسیب دیده، هر دو مچ دستش در رفته، چهار دنده از پهلوی وی شکسته، جناق سینه اش باز شده و بر اثر ضرب و جرح، پاهایش از شکل عادی خارج شده و دندان هایش نیز آسیب دیده است که به دلیل همین آسیب های جسمی ۶ بار با اسم های مستعار به بیمارستان بقیه الله وابسته به سپاه پاسداران منتقل شده است.

از سوی دیگر، سازمان عفو بین الملل در تازه ترین گزارش خود اعلام کرده است که طی سال گذشته در ایران، حداقل ۲۴ نفر در هر هفته اعدام و بیش از ۶۴ نفر محکوم به مرگ شده اند، و ایران با ۳۱۷ اعدام در این سال، پس از چین (اگر نسبت جمعیت اساس قضاوت بشد، ایران دارای رتبه اول است)، در این مورد رتبه دوم را دارد. این در حالی است که بنا به گزارش عفو بین الملل، تعداد اعدام ها در ایران، در سال پیش از آن ۱۷۷ نفر بوده که امسال به ۳۱۷ نفر، افزایش یافته است.

کانون نویسندگان صمیمانه بر این باور است که ایرانیان برون مرز باید با تلاش ها و حضوری پیگیر در تشکل ها و کانون ها و حرکت های جمعی، یاری رسان مبارزات داخل کشورمان باشند. برنامه همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند نیز یکی از گام های موثریست که به درستی برداشته شده و مورد حمایت کانون نویسندگان ایران (در تبعید) می باشد.

در این راستا همه انسان های آزاده را فرا می خوانیم که در برنامه شب های همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند، که در شهرهای سوند، برگزار می شود، فعالانه شرکت کنند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، از نویسندگان و هنرمندانی که دعوت ما را پذیرفته اند، سپاسگزاری می کند و تلاش های هموند خود، ایراج جنتی عطایی را صمیمانه ارج می نهد.

کانون نویسندگان ایران در تبعید، ضمن گرامی داشت یاد و خاطر همه جان های شیفته ای که جان در راه آزادی و برخورداری از زندگی انسانی نهاده اند، هم صدا با دیگر نویسندگان، شاعران، هنرمندان و فرهیختگان خویش تاکید می کند که آزادی و حقوق انسانی در جامعه ما نهادینه نمی گردد مگر آن که همه ما در تحقق آن بکوشیم.

باشد که چشم انداز آزادی و حقوق انسانی در میهنمان روشن و فروزان گردد.

در پایان، مشروح برنامه شب همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان در بند که در سوئد برگزار می‌گردد، جهت آگاهی همگان در پی می‌آوریم:

برنامه شب های همبستگی برای آزادی زندانیان سیاسی و دانشجویان در بند عبارتند از:

ترانه خوانی ایرج جنتی عطایی و آواز خوانی ابی  
شیرین مهرید - شمیم با نوازندگی یارا و مسعود

سخن و شعر  
شهلا آقاپور، علی آینه، یاور استوار، مصی نقی پور، منظر حسینی، شهریار دادور، اکبر ذوالقرنین، بهرام رحمانی، شریف سعیدی، عباس سماکار، ستار لقای، رباب محب.

مکان و زمان برنامه ها:

استکهلم: ۲۵ آوریل ۲۰۰۸، ساعت ۱۸، ABF مرکزی  
گوتنبرگ: ۲۶ آوریل، ساعت ۱۸.۳۰، Folkets Hus Järntorget  
مالمو: ۲۷ آوریل، ساعت ۱۸،

Heleneholms Gymnasium, Munkhättegatan 1

تماس با هیئت دبیران:

تلفن «بهرام رحمانی» یکی از هیئت دبیران و سازمانده شب های همبستگی: ۰۰۴۶ - ۷۰۷۴۷۴۳۳۶

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

۱۹ آوریل ۲۰۰۸

## گزارش شب های همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان در بند (در تاریخ های ۲۵، ۲۶ و ۲۷ آوریل ۲۰۰۷)

برگزاری «شب های همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان در بند» از سوی کانون نویسندگان ایران در تبعید، از ۲۵ تا ۲۷ آوریل ۲۰۰۸، در شهرهای استکهلم، گوتنبرگ و مالمو سوئد به انجام رسید و در طی آن جمع بسیاری از مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب در همبستگی با این مبارزات از این شب‌ها استقبال کردند. در فراخوان کانون در این رابطه آمده بود: «کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، در راستای اهداف و سیاست‌های خود، دفاع از آزادی‌های بی حد و حصر قلم و بیان، و پشتیبانی از حرکت های آزادی خواهانه و حق طلبانه شهروندان ایران را از وظایف خویش می‌داند.»

همکاری نویسندگان، شعرا و هنرمندان آزاده و مردمی در این مبارزات، استقبال مردم را نیز در پی داشت و از همین رو؛ هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، از آنان بسیار سپاسگزار است. بیش از هزار تن از ایرانیان آزادی خواه، با شرکت در مراسم این شب‌ها، همبستگی خود را با این مبارزات اعلام کردند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، برای سازمان‌دهی حرکت‌های چنین بزرگ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که امکانات بسیار و هماهنگی فراوان می‌طلبد، بدون همکاری صمیمانه یاران خود در این شهرها، چه بسا به دشواری از پس انجام این کار مهم برمی‌آمد. از این رو ما توانستیم، از پس مشکلات برآینم و در فضایی دوستانه و صمیمانه نتایج و تأثیرات مشخصی را در همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان در بند انتظار داشته باشیم. کانون، برای ادامه چنین سیاست و مبارزاتی در برابر آزادی ستیزی جمهوری اسلامی، و دفاع از آزادی اندیشه و بیان همچنان نیازمند همکاری هواخواهان آزادی و برابری‌ست و دست همه عزیزانی را که در این راستا به یاری ما می‌آیند می-فشارد.

برنامه شب‌های همبستگی برای آزادی زندانیان سیاسی و دانشجویان در بند به ترتیب عبارت بودند از:

بخش نخست برنامه‌ها، در هر سه شهر با سخنرانی بهرام رحمانی، از هیئت دبیران آغاز شد و با شعرخوانی شعری که شهر به شهر تغییر می‌کرد ادامه یافت. (سخنرانی ضمیمه گزارش است) طی تقسیم کاری که بین سه نفر هیئت دبیران کاتون صورت گرفته بود قرار بر این بود که بهرام رحمانی در استکهلم، شهلا آقاپور (مقیم برلین) در گوتنبرگ و ستار لقایی (مقیم لندن) در مالمو سخنرانی کنند. اما متأسفانه شهلا و ستار به دلیل بیماری نتوانستند در این شب‌ها حضور پیدا کنند.



شعرخوانی شاعران و نویسندگانی هم چون یاور استوار، شهریار دادور، اکبر ذوالقرنین، رباب محب در استکهلم، علی آینه، معصومه تقی‌پور، عباس سماکار در گوتنبرگ، و منظر حسینی، اکبر ذوالقرنین، معصومه تقی‌پور در مالمو. در مالمو برنامه‌ای که در آفیش‌ها نیامده بود رقص (مینیاتور ایرانی) و شعرخوانی رویا مقدس بود که با استقبال گرم حضار روبرو گردید.



بخش دوم برنامه در هر سه شهر، به ترانه خوانی ایرج جنتی عطایی و آوازه خوانی ابی، شیرین مهرداد - شمیم با نوازندگی یارا و مسعود اختصاص داشت.



مجریان برنامه در شهر استکهلم سوфіیا کریمی و در شهرهای گوتنبرگ و مالمو عباس سماکار بودند. عباس سماکار، در میان برنامه‌ها اشعاری از سرودهای خود و سعید سلطانپور و احمد شاملو خواند و از جان باختگان راه آزادی و قلم هم چون قره‌العین، عشقی، سعید سلطانپور، محمد مختاری، پوینده، مجید شریف و ویکتور خارا، گارسیا لورکا و زندانیان دانشجو، کارگر، فعالین زن جنبش برابری خواه زنان و فعالین مبارز ملیت‌های تحت ستم ایران یاد کرد.



در مجموع، برگزاری این شب‌ها با استقبال گرم شرکت‌کنندگان روبرو شد و همگان شاهد صمیمیت و برخورد مردمی نویسندگان، شاعران و هنرمندانی چون ابی، این چهره برجسته موسیقی و ترانه جامعه مان بودیم. بخشی از دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب، در «کمپین دفاع از عابد توانچه» در ایران، پیام پشتیبانی خود را تلفنی ابراز داشتند و کتبی نیز فرستادند که در برنامه‌های گوتنبرگ و مالمو خوانده شد. این پیام در برنامه استکهلم به دست ما نرسیده بود.

در بخشی از این پیام، تحت عنوان «از طرف «کمپین دفاع از عابد توانچه»، پیام به «شب همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند»، آمده است:  
«دوستان!

از این که خودمان را در کنار شما در صف دفاع از آزادی، در صف مبارزه برای آزادی دانشجویان زندانی و زندانیان سیاسی می‌بینیم احساس غرور و قدرت می‌کنیم. از این که حضور گرم و صمیمانه شما را در کنار خود احساس می‌کنیم بر خود می‌بالیم و به راه و هدف مان، و رسیدن به آن و پیروزی امیدوارتر می‌شویم. از این که می‌بینیم صف دفاع از دانشجویان دربند و زندانیان سیاسی به این وسعت و قدرت است، عزم و اراده مان برای رسیدن به هدف مان صدچندان می‌شود.

همان‌طور که می‌دانید دانشجویان زیادی بعد از دستگیری و تحمل شرایط سخت زندان، با قید وثیقه‌های سنگین آزاد شده‌اند. اکنون بعد از مدتی که از آزادی این دانشجویان می‌گذرد، نوبت به احضار تک‌تک آن‌ها به دادگاه و صدور احکام قطعی زندان برای آن‌ها رسیده است. اولین دانشجویی که به دادگاه احضار و برایش حکم قطعی زندان صادر شد، عابد توانچه است که به ۸ ماه زندان محکوم شده است. احضار سایر دانشجویان نیز شروع شده است همه آنان

در انتظار دادگاه و زندان هستند. ما در کمپینی به نام «دفاع از عابد توانچه» دور هم جمع شده‌ایم و سعی مان را بر این نهاده‌ایم تا در مقابل این احکام بایستیم و مانع از اجرای حکم زندان عابد شویم. ما در حرکتی مستقل و به دور از هرگونه گرایشی، صرفاً در دفاع از حقوق انسانی و آزادی بی‌قید و شرط عابد و عابد‌ها دور هم جمع شده‌ایم و دست یاری به سوی تک تک شما دراز می‌کنیم و در کنار خود انتظار می‌کشیم حضور گرم شما را. ما می‌توانیم در کنار هم صف قدرتمندی در دفاع از آزادی بسازیم که این اتحاد و قدرت، نویدبخش رهایی دوستان مان باشد...»



شهر استکهلم

کانون در اجرای برنامه این شب، به دلیل مشکل مالی، متأسفانه نتوانست از شرکت نویسندگان و شعرا و اعضای کانون نویسندگان ایران (در تبعید) در کشورهای دیگر دعوت کند. عباس سماکار، شرکت کننده از کشور آلمان با پرداخت هزینه شخصی در مراسم حضور داشت. ایرج جنتی عطایی، نصف هزینه سفر را دریافت کرد. ابی، بخشی از هزینه هایش را دریافت کرد. در مجموع هزینه‌های برگزاری این شب‌ها که به مخارج هتل، ترانسپورت، غذا، کرایه دستگاه‌های صوتی، کرایه سالن و پرداخت بخشی از هزینه سفر خوانندگان محدود می‌شد، بسیار بیش از درآمد حاصل از فروش بلیط ورودی بود. در ضمن هیچ کدام از هنرمندان دستمزد درخواست نکردند. هزینه‌های سالن در هر سه شهر را مرکز فرهنگی کارگران سوئد (آ.ب.اف) تقبل کرده است. دوستان زیادی در برنامه‌های این شب به ما کمک کردند از جمله مسعود مافان و رضا طالبی از کارمندان آ.ب.اف و همچنین از «انجمن همبستگی ایران و سوئد» در مالمو که با ما همکاری صمیمانه ای داشتند تشکر می‌کنیم.



ارزیابی اجمالی ما از برگزاری شب‌های همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند، حاکی ست که فراخوان کانون در راستای آزادی زندانیان سیاسی با استقبال ایرانیان آزاده روبرو شد و در سطح وسیعی در رسانه‌های گروهی انعکاس یافت. حداقل ۱۵ سایت اینترنتی، حدود ۱۵ گفتگو و یا پخش خبر رادیویی و چند تلویزیون، این برنامه‌ها را انعکاس دادند و به گوش ایرانیان خارج کشور و داخل کشور رساندند. از سوی دیگر، با این حرکت همکاری تازه‌ای با هنرمندانی آغاز شد که هر کدام، بنا به میزان نفوذ صدا و هنرشان قادرند در گسترش میان تاثیر

این همبستگی‌ها کانون را یاری برسانند و توجه مردم مشتاق صدا و هنر خود را هر چه بیشتر به همبستگی با زندانیان سیاسی برانگیزند.



شهر گوتنبرگ

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، از ایرج جنتی عطانی که فراخوان حمایت از دانشجویان را در دسامبر سال گذشته داده بود و با استقبال تعداد وسیعی از نویسندگان، هنرمندان، دانشگاهیان، فعالین سیاسی و اجتماعی روبرو شده بود سپاسگزار است. هنرمندان و نویسندگان شرکت کننده بر همبستگی با زندانیان سیاسی، دانشجویان در بند و مبارزان راه آزادی و برابری تاکید داشتند. ابی، این خواننده پاپ موزیک سرشناس ایران نیز، در این شب‌ها در دفاع از جنبش‌های اجتماعی و آزادی زندانیان سیاسی تلاش‌های ارزنده‌ای نشان داد. شیرین مهرید، که پنج سال از بهترین دوران جوانی خود را در زندان گذرانده است و درد و رنج زندانی سیاسی را با پوست و گوشت خود لمس کرده است با احساس بی‌ظنیری در این شب‌ها ظاهر شد. و شمیم، از جمله با شعر سنگسار، فضای دیگری به برنامه‌ها داد. یارا و مسعود این دو نوازنده جوان به خوبی از عهده کار سنگین این شب‌ها برآمدند و رقص زیبای رویا مقدس به گرمی برنامه افزود.



کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، به عنوان ابزار مهم و بالنده نویسندگان در راستای دفاع از آزادی بیان، قلم، تشکل و اندیشه وظیفه خود می‌داند که از جنبش‌های اجتماعی آزادی‌خواه دفاع کند. در برابر سانسور و خفقان بایستد و صدای رسای مردم ایران، نویسندگان و هنرمندان و روزنامه‌نگاران و به ویژه زندانیان سیاسی شود. کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، تلاش می‌کند به سهم خود برای تغییر وضعیت موجود در ایران به نفع آزادی و برابری در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دخالت فعال داشته باشد.





شهر مالمو

ما از همه نویسندگان، به ویژه نویسندگان جوان دعوت می‌کنیم که به کانون بپیوندند و در همبستگی و اتحاد با ما در راستای اهداف کانون بکوشند.



\*\*\*

متن سخنرانی بهرام رحمانی، از هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
در شب های همبستگی ۲۵، ۲۶ و ۲۷ آوریل در شهرهای استکهلم، گوتنبرگ، مالمو (سوئد)

حضار محترم، دوستان گرامی،

قبل از هر چیز توجه شما را به این مساله معطوف کنم که شب‌های همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند در سوئد، شب شعر خوانی و یا کنسرت گذاری نیست؛ هر چند که برگزاری این برنامه‌ها هیچ اشکالی ندارد و بسیار هم خوب است. اما هدف از برگزاری این شب‌ها، همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند است. همه نویسندگان و شعرا و هنرمندانی که در این مراسم‌ها حضور دارند به اندازه کافی شناخته شده هستند که در اینجا احتیاجی به معرفی آن‌ها نباشد. بنابراین، در یک کلام این شب‌های همبستگی، تلاشی برای آزادی همه زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند است.

من از سوی هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، از همه این عزیزانی که دعوت ما را برای حضور در این برنامه‌ها پذیرفتند نهایت سپاسگزاری را دارم. امر آزادی زندانیان سیاسی، نه تنها امر کانون، نهادهای دمکراتیک و سازمان‌ها و احزاب سیاسی، بلکه امر همه شهروندان آزادی‌خواه و عدالت‌خواه جامعه ایران است. کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، بنا بر سرلوحه منشور و آرمان سالیان دراز مبارزات خود در دفاع بی‌قید و شرط از آزادی اندیشه و بیان، می‌کوشد تمام اراده خود را در راه تحقق خواست‌های بر حق انسانی به کار اندازد و تا آنجا

که توان دارد در این سوی جهان، بلندگوی صدای در گلو مانده‌ای شود که سال‌هاست توسط رژیم تبه‌کار جمهوری اسلامی سرکوب می‌شود.

اکنون جامعه ایران در بحران عظیمی گرفتار است که نتیجه سال‌ها سرکوب، خفقان، چپاول دسترنج مردم و محروم کردن توده‌های تهی دست از ابتدانی‌ترین حقوق اجتماعی و انسانی به شمار می‌آید. اکنون سال‌هاست که مردم ایران رو در روی رژیمی قرار گرفته‌اند که هرگونه اراده همگانی آن‌ها را برای در دست گرفتن سرنوشت خود، برای برخورداری از حق آزادی اندیشه و بیان، رفاه و آسایش و حق یک زندگی انسانی محروم کرده است. در این میان بیش از همه، اکثریت تهی دست کشور ما مورد این ستم واقع شده‌اند و هر جا که برای گرفتن حقوق خود صدای خود را بلند کرده‌اند و به پا خاسته‌اند، نیروهای امنیتی، پاسدار و دیگر نیروهای سرکوبگر رژیم جهل و جنایت با شدت هرچه سبعتانه‌تری آنان را سرکوب کرده است.

تمام تاریخچه آزادی‌کشی و ستم و استعمار رژیم جمهوری اسلامی، چیزی جز غارت، کشتن، شکنجه دادن، اعدام کردن و سرکوب نیروی مردم نیست و تاکنون، هزاران تن از عزیزترین و بالنده ترین نیروهای جامعه ایران به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند و زندان‌های جمهوری اسلامی از مبارزان عرصه های گوناگون پیکار با بی‌عدالتی و نابرابری آکنده است.

کم نیستند مبارزان جنبش کارگری، جنبش آزادی‌خواه و برابری‌طلب زنان، جنبش‌های انقلابی اقلیت‌های ملی، و جنبش آزادی‌خواه و برابری‌طلب دانشجویان، روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان که به خاطر دفاع از خواست - های برحق خود جان باخته‌اند و یا هم اینک در زندان‌ها به سر می‌برند.

به ویژه در دو سه سال گذشته، با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد که یکی از عقب مانده‌ترین و تبه‌کارترین جناح - های حاکم در ایران است، شدت این سرکوب به مراتب بیش از گذشته افزایش یافته و نیروهای سرکوبگر رژیم دست به چنان هجوم وحشیانه‌ای زده اند که در کارنامه سیاه جمهوری اسلامی نیز نمونه است. اکنون، هر روزه موج دستگیری‌ها با رعب و وحشت عمومی افزایش می یابد و به تعداد زندانیان کارگر و دانشجو و زنان مبارز افزوده می‌شود. اکنون، بیش از گذشته و هر روزه، معیشت مردم در خطر قرار می‌گیرد و خط فقر، که چیزی جز یک زندگی سراسر مملو از گرسنگی، بیماری، بیکاری و درد نیست، هستی اکثریت مردم ایران را در می‌نوردد.

با این همه، در سراسر این سالیان دراز سلطه جمهوری اسلامی، جنبش‌های اجتماعی در برابر این رژیم ستم‌گر، خاموش نشده اند و با وجود خفقان، بگیر و ببندها، و شکنجه و اعدام‌ها، پیکار مردم جامعه ما همواره در جریان بوده است. اکنون نویسندگان ایران نیز، چه در چارچوب همان زندان بزرگ، چه در تبعید، بخشی از همین مبارزان عرصه آزادی و برابری به شمار می‌آید و دفاع از حقوق مردم ایران برای برخورداری از یک زندگی انسانی و شرافتمند و آزاد، محور مبارزات آن را تشکیل می‌دهد. از همین رو، برگزاری «شب‌های همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند ایران»، گام دیگری در این راستاست.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، از همه نویسندگان، هنرمندان و شعرايي که در برگزاری «شب‌های همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان در بند ایران»، در کنار ما بودند نهایت تشکر را داریم و امیدواریم این همکاری‌ها هر چه بیش‌تر تعمیق و گسترش پیدا کند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، امید دارد که با افشای جنایت‌ها و سرکوب بی‌امانی که در جامعه ما جریان دارد و با بسیج همه نیروهای آزادی‌خواه و برابری‌طلب، هر چه بیش‌تر توجه همگانی مردم آزادی‌خواه را در سراسر جهان به شرایط دردناک و فاجعه باری که جمهوری اسلامی در ایران پدید آورده است جلب کند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید، به ویژه وظیفه خود می‌داند که با تمام نیرو به دفاع از زندانیانی بپردازد که به خاطر حقوق مردم ایران دست به مبارزه زده اند و هم اکنون در زندان‌ها زیر شدیدترین فشارها و شکنجه‌ها به سر می‌برند.

بی تردید نیروی عظیم و سرنوشت‌ساز مردم ایران از پس سلطه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بر می‌آید و ظنین زیبای آزادی و برابری در فضای تیره و تاریک کثونی جامعه ما افکنده می‌شود. در این راه، بی‌شک همبستگی شما مردم آزادی‌خواه، هم یاری همه عاشقان آزادی و عدالت، کوشش و توان صمیمانه نویسندگان و هنرمندانی که برای نمونه در این شب همبستگی گرد آمده‌اند و تمامی مبارزاتی که در بیرون و درون ایران به انجام می‌رسد در این رهانی نقش خواهد داشت.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، همه انسان‌های آزاده را به دفاع هرچه بیش تر و مبارزه پیگیرتر در دفاع از حق آزادی اندیشه و بیان و تشکل، و همبستگی با زندانیان سیاسی و دانشجویان در بند برای آزاد ساختن آنان فرا می‌خواند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

چهارم مه ۲۰۰۸

## روز جهانی کارگر به همه کارگران و محرومان جهان مبارک!

کارگران، محرومان، مردم آزاده!

با آن که شما تولیدکنندگان و سازندگان کلیه نعمات جهانیید اما، سهم بس اندکی از این همه نعمت و ثروت می‌برید. زیرا دسترنج شما را اقلیتی استثمارگر به یغما می‌برد.

امروز وضعیت کارگران ایران، با وجود افزایش بی سابقه قیمت نفت خام در دو سال اخیر، بسیار وخیم و دلخراش است. میلیون ها کارگر بیکار هستند. روزی نیست که کارخانه‌ای تعطیل نگردد و کارگران آن به میان بیکاران پرتاب نشود. دستمزد کارگران ایران، هیچ تناسبی با گرانی و تورم واقعی ندارد و همین دستمزدهای ناچیز نیز به موقع پرداخت نمی‌شود. نتیجه این سیاست اقتصادی غیرانسانی حکومت اسلامی، چیزی جز فقر، درد، رنج، محرومیت و رشد و گسترش آسیب های اجتماعی برای جامعه نبوده است.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، در راستای دفاع از آزادی بیان و قلم و اندیشه، از مبارزات بر حق و عادلانه جنبش دانشجویی، زنان، کارگران و همه مردم آزادی خواه ایران دفاع می‌کند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، روز جهانی کارگر را به همه کارگران، مردم محروم و ستم دیده و کارورزان فرهنگی تبریک گفته و امید است با اتحاد و همبستگی کارگران و همه مردم آزادی خواه، جهان شایسته ای برای بشریت به ویژه در ایران ساخته شود. جهانی که در آن، هیچ انسانی نگران از آینده خود و فرزندانش، گرسنه و رنجور سر به بالین نهد. و هیچ انسانی نیز به خاطر بیان باورهایش و فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اش دستگیر و زندانی و شکنجه و اعدام نگردد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

مه ۲۰۰۸

## از مبارزه زنان، نویسندگان، کارگران و دانشجویان آزادی‌خواه پشتیبانی کنیم!

در بیست و دوم خرداد سالروز حرکت اعتراضی زنان کشورمان علیه تبعیض و نابرابری در حکومت اسلامی، بار دیگر زنان مورد ضرب و شتم مامورین امنیتی قرار گرفتند و تنی چند نیز دستگیر شدند. ۲۲ خرداد روزیست که طی سی سال حکومت سیاه اسلامی، فراوان داشته‌ایم و هم اینک نیز چنین روزی را هر روز در کوچه و خیابان هر جای ایران شاهدیم.

اگر دیروز حاکمان اسلامی، به بهانه جنگ و انقلاب فرهنگی و...، زنان، کارگران، دانشجویان، نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان مترقی کشور ما را کوردلانه سرکوب می‌کردند و به سانسور، ترور، زندان و شکنجه، اعدام و سنگسار می‌پرداختند، امروز نیز با بهانه‌های واهی و بحران آفرینی های فاجعه بار و لاپوشانی ناتوانی های خود، در حل ساده‌ترین معضل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، حتی کوچک‌ترین انتقاد و صدای اعتراض را بر نمی‌تابند و هر اعتراض و انتقادی را با سرکوب و زندان پاسخ می‌دهند. چنین سیاست‌هایی قبل از هر مساله‌ای ناتوانی و ضعف حکومت را به نمایش می‌گذارد.

اما با وجود همه این سرکوب‌ها و بی حقوقی‌ها، دانشجویان دانشگاه‌ها، کارگران کارخانه‌ها و زنان آزاده کشورمان حقوق انسانی خویش را پیگیرانه‌تر از همیشه می‌جویند. هیچ‌گاه آزادی تا به این حد خواست فوری و همگانی جامعه ما نبوده است.

واقعیت این است که از زمان به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، اکثریت مردم ایران از زن و مرد، پیر و جوان و از هر طبقه و لایه اجتماعی مرحله به مرحله هرآنچه که از پیش بدست آورده بودند، از دست داده‌اند.

اساس حکومت اسلامی بر پایه شرع و عرف اسلامی و قوانین برخوردارانه است و ریشه همه بی‌حقوقی‌ها و سرکوب‌ها و نابرابری‌ها و بیداد ناشی از ماهیت بنیادی این حکومت ستمگر و استثمارگر است. این که بخواهیم سرنوشت خود و جامعه مان را به دست خویش رقم بزنیم باید باید کلیت این حکومت جانی را در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زیر سنوال ببریم.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، ضمن گرامی داشت هر روز از مبارزه زنان، کارگران، دانشجویان، نویسندگان و روزنامه نگاران و همه آنانی که همگام و همراه آزادی‌خواهان فریاد دادخواهی شان بلند است، بر این باور پای می‌فشارد که چشم داشت از حاکمیتی خرافه‌ای و روان پریش با تفکری نامنطبق با روزگار کنون، که حقوق انسانی را

محترم شمرده و آزادی‌های اساسی جامعه انسانی امروز را رعایت کند، چشم داشتی بیهوده و عبث است. از همین نگاه معتقدیم که با مبارزه ای پیگیر و هدفمند و همبستگی جنبش های اجتماعی آزادی‌خواه و برابری‌طلب است که می‌توانیم حقوق انسانی خود را بستائیم و اساس حکومتی بر پایه آراء آزادانه مردم شالوده ریزی کنیم. کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، دفاع از آزادی بیان و اندیشه و مبارزه با سانسور را جدا از مبارزه با ستم و استعمار و استبداد حکومت اسلامی حاکم بر جامعه مان نمی‌داند. و بر همین اساس نیز با پشتیبانی از مبارزه و خواست‌های آزادی‌خواهانه و انسانی زنان از یک سو و مقاومت سلحشورانه دانشجویان و کارگران در سراسر کشور غم زده مان همگان را برای همبستگی در مبارزه و یاری رسانی به یکدیگر فرامی‌خواند. مبارزات همه ما در پیوند باهم می‌تواند جهل و جنون حکومت اسلامی را به عقب نشینی وادار سازد و سرانجام بزیر کشد. کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، بکارگیری همه توان و امکان خویش در هم صدایی و همراهی و پشتیبانی از زنان مبارز، کارگران و دانشجویان آزادی‌خواه را وظیفه خود می‌داند و در این مسیر تلاش می‌کند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
۲۴ خرداد ۱۳۷۸ - ۱۳ ژوئن ۲۰۰۸

## فراخوان به همه اعضای محترم کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق  
ثبت است بر جریده عالم دوام ما  
"حافظ"

هموندان گرامی  
دوستان و یاران گرامی

بدینوسیله به آگاهی می‌رساند کانون نویسندگان ایران (در تبعید) در نظر دارد به منظور گرامی داشت یاد و خاطره جان باختگان راه آزادی و قلم دفتری تا سپتامبر به چاپ برساند. نامه آن را سال پیش به همه شما عزیزان فرستاده بودیم و درخواست شعر و مطلب، خاطره و... درباره جان باختگان راه قلم کرده بودیم. از این رو خواهشمند است واحدها و اعضای کانون که مایل به بر برگزاری مراسم در کشور یا محل سکونت خود با همکاری هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید) می‌باشند، با ما تماس حاصل نمایند. لازم به یادآوری است که کانون، از پشتیبانی های مالی و تدارکاتی و پیشنهادات یاران برای پیشبرد برنامه‌ها و هدف های مشترک مان، استقبال می‌کند.

با احترام  
هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
هجدهم ژوئن ۲۰۰۸

## قوانین جدید تشدید سرکوب و اختناق در ایران!

حکومت اسلامی ایران که عامل و بانی اصلی همه مشقات و دردها و رنج های جامعه ایران اعم از گرانی، بیکاری، عدم وجود حداقل آزادی های فردی، اجتماعی و سیاسی است، هر روزه طرح و پروژه جدیدی را نیز برای تشدید سرکوب و اختناق به مرحله اجرا می‌گذارد. اما سران جهل و جنایت حکومت اسلامی ایران، به جای انجام وظایف خود در قبال مردم و حل مشکلات اقتصادی، همواره به دنبال تدوین قوانین غیرانسانی و تشدید سانسور و سرکوب هستند. پس از این که لایحه «طرح تشدید مجازات اخلاص در امنیت روانی جامعه» در مجلس جانیان مورد بررسی قرار گرفت؛ ستادی متشکل از فرماندهان

نیروی انتظامی، بسیج، سپاه به همراه دیگر مسئولان قضایی موظف به شناسایی، ساماندهی مبارزه با جرم و اجرای احکام تشکیل شده است.

در این طرح، برای دست اندرکاران و بلاگ ها با مضمون «ترویج الحاد» مجازات مرگ در نظر گرفته شده است. سران حکومت اسلامی و در راس همه علی خامنه ای، رهبر حکومت جهل و جنایت اسلامی که در جهان به عنوان دشمن درجه یک آزادی بیان شهرت دارد علاوه بر سرکوب اعتراضات بر حق زنان، دانشجویان، کارگران، تعطیلی روزنامه ها و زندانی کردن و تحت تعقیب قرار دادن روزنامه نویسان، اکنون برای و بلاگ نویسان نیز مجازات مرگ در نظر گرفته است، و با قوانین آزادی ستیز و ضد انسانی بار دیگر اوج وحشی گری حکومت شان را به نمایش می گذارند.

در کلیه جنبش ها و عرصه های اجتماعی از عرصه مطبوعات تا جنبش دانشجویی، جنبش زنان و جنبش کارگری سانسور و سرکوب با شدت بیش تر ادامه دارد. در این جا فقط به تازه ترین نمونه هایی از انبوه جنایات حکومت اسلامی اشاره می کنیم.

- «افشین شمس قهفرخی»، دبیر و عضو انجمن کاریکاتور اصفهان، یکی از فعالین کمیته همافکنی برای ایجاد تشکل کارگری و عضو کمیته دفاع از محمود صالحی، از سوی ماموران امنیتی حکومت اسلامی در اصفهان، به دلیل فعالیت های کارگری و دفاع از حقوق کارگران در محل کار خود در شهرستان الیگودرز در تاریخ سیزدهم تیر ماه ۱۳۸۷ دستگیر و روانه زندان دستگرد اصفهان شد. در این رابطه روز شنبه پانزدهم تیر ماه، منزل پدر وی در اصفهان، مورد بازرسی قرار گرفته و کلیه دست نوشته های وی که در رابطه با مسائل کارگری بود توسط مامورین اداره اطلاعات اصفهان جمع آوری شده است.

- صدیق مینایی، روزنامه نگار و همکار هفته نامه توقیف شده ناسو در پی مراجعه به شعبه چهارم بازپرسی دادگستری سندج بازداشت شد. اتهامات مینایی، تبلیغ علیه نظام و ارتباط با رسانه های ضد انقلاب و... عنوان گردیده است.

- ۷۲ نفر از سینماگران سرشناس ایران، در نامه ای به رییس دیوان عدالت اداری حکومت اسلامی، خسارات ناشی از توقیف فیلم هایی که با مجوز وزارت ارشاد تولید شده را بسیار سنگین خوانده و خواستار رسیدگی به این موضوع شده اند. این سینماگران، در نامه خود به علی رازینی، نوشته اند: «تعداد فیلم هایی که پس از دریافت مجوز ساخت و نمایش، به بایگانی سپرده می شوند، روز به روز بیش تر می شود و متأسفانه نه تنها پیگیری های فرسایشی برای رفع این موانع سودی نمی بخشد، گاه تنها نظر شخصی یک مدیر، باعث تباہ شدن همه زحماتی می شود که سینماگران برای ساخت و ارایه اثر خویش کشیده اند.»

- هانا عبدی، فعال حقوق زنان، دانشجوی ۲۱ ساله دانشگاه پیام نور بیجار و از اعضای انجمن زنان آذر مهر کردستان که از یازدهم مهر ماه سال گذشته توسط نیروهای امنیتی در شهر سندج بازداشت شده بود در یک حکم بی سابقه به ۵ سال حبس محکوم شد. در این رابطه محمد شریف، وکیل هانا عبدی، این حکم به شدت غیرمتناسب نامیده است.

مامورین امنیتی حکومت اسلامی، در آستانه سالروز ۱۸ تیر، شبیخون به کوی دانشگاه در تیر ماه ۱۳۷۸، نیروهای سرکوبگر خود را در دانشگاه ها و اطراف آن ها به منظور جلوگیری از اعتراضات دانشجویی مستقر کرده است. هم چنین این روزها مامورین اطلاعاتی حکومت اسلامی فعالین دانشجویی را تهدید و تعقیب و دستگیر می کنند.

- در پی اعتراضات دانشجویان دانشگاه تبریز نسبت به مسائل دانشجویان ستاره دار و اقدامات غیرقانونی حراست، ۳۷ تن از دانشجویان به کمیته انضباطی دانشگاه احضار شده اند.

- ماموران امنیتی حکومت اسلامی، دو تن دیگر از فعالین دانشجویی دانشگاه آزاد مشهد با اسامی «سجاد رجبی» و «محمد میزبان» را بازداشت کردند. پیش از این نیز ۳ دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد به اسامی «توحید دولتشناس»، «محمد زراعتی» و «فرزاد حسن زاده» از سوی ماموران امنیتی دستگیر شدند.

- در تهران، «مهدی خدایی»، فعال دانشجویی دانشگاه آزاد شهر ری توسط ماموران امنیتی بازداشت شده است. - دادگاه حکومت اسلامی، ۴ تن از فعالین چپ جنبش دانشجویی به نام های انوشه آزاد فر، محمد پور عبدالله، نسیم سلطان بیگی و بیژن صباغ را احضار کرده است. نامبردگان در جریان مراسم روز دانشجو در آذر ماه سال گذشته بازداشت و پس از مدتی با قرار وثیقه آزاد شدند.

- عسگر اکبرزاده و حسین حسینی از فعالین دانشجویی آذربایجانی که در خرداد و تیر ماه سال جاری توسط ماموران امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات اردبیل منتقل شده بودند روز دوشنبه ۱۰ تیر به بند ۷ زندان مرکزی اردبیل انتقال یافتند.

- روز سیزدهم تیر ماه ۱۳۸۷، حکم نهایی و قطعی هشت ماه حبس تعزیری عابد توانچه، از سوی دادگاه تجدید نظر تایید شد. در هیچ یک از مراحل دادرسی و بررسی پرونده عابد توانچه به ایشان و وکیل حقوقی وی دکتر حاجی مشهدی امکان حضور و ارائه دفاع داده نشد و لایحه دفاع هم با اصرار و فشار وکیل پرونده از سوی دادگاه پذیرفته شد. تنها «جرم» عابد و همه دانشجویان دربند و تحت تعقیب دفاع از حقوق دانشجویان، مردم محروم و آزادی خواهی و برابری طلبی است.

- هنوز دو روز از تانید حکم اعدام فرزاد کمانگر، معلم کرد، نگذشته بود که انور حسین پناهی نیز به اعدام محکوم شد. انور حسین پناهی، معلم اهل منطقه لیلخ کردستان، پاییز سال گذشته به اتهام «محرابه» و «اقدام علیه امنیت ملی» بازداشت و روزانه بازداشتگاه اداره اطلاعات شهر قروه شد. حسین پناهی، طی مدت بازداشت در اعتراض به شکنجه های اعمال شده به مدت ۱۳ روز را در اعتصاب غذا به سر برد اکنون، به بازداشتگاه اطلاعات سندانج منتقل شده است.

- منصور اسانلو، رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۶ جهت جراحی چشم از زندان اوین به بیمارستان لبافی نژاد منتقل شده بود در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۸ از بخش مراقبت های ویژه بیمارستان لبافی نژاد به بهداری زندان اوین منتقل شد.

هر گاه زنان، دانشجویان، کارگران و مردم آزادی خواه و تحت ستم در مقابل عدم این همه یب حقوقی و ظلم و ستم و سرکوب دست به اعتراض و مقاومت می زنند از سوی نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی مورد هجوم، ضرب و شتم، دستگیری، زندان و اخراج قرار می گیرند. اکنون زندانی های حکومت اسلامی مملو از زندانیان سیاسی و یا کسانی به دلیل فقر و فلاکت اقتصادی دست به بزهکاری زده اند، است.

اکثریت مردم ایران، روزبروز فقیرتر می شوند و دستمزدهای ناچیز مزدبگیران نیز به موقع پرداخت نمی گردد. این در حالی است که براساس آمار، درآمد حکومت اسلامی ایران، فقط از منبع فروش نفت خام در سه سال گذشته رقمی در حدود ۲۰۰ میلیارد دلار بوده است. اما سهم مردم از این درآمدهای کلان، جز فقر و سیه روزی و سرکوب چیز دیگری نبوده است.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، ضمن محکوم کردن آزار و اذیت، تعقیب، دستگیری، محاکمه و زندانی کردن فعالین جنبش زنان، دانشجویان، کارگران و هم چنین نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران، ویلاک نویسان و...، مصرانه خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و آزادی بیان و تشکل است. هم چنین از تمامی تشکل های نویسندگان و روزنامه نگاران، سازمان ها و نهادها دمکراتیک و مدافع آزادی بیان و آزادی های فردی و اجتماعی، احزاب سیاسی انسان دوست و آزادی خواه در سطح بین المللی می خواهیم به هر شکل ممکن، برای آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو هرگونه شکنجه و اعدام و آزادی بیان و تشکل در ایران، دست به مبارزه پیگیری بزنند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
بیست و چهارم تیر ۱۳۸۷ - چهاردهم ژوئیه ۲۰۰۸

## همکاران گرامی!

شادمانه خبر مربوط به مجمع عمومی کانون را که سرانجام پس از زمان طولانی تاخیر تحمیلی، به هر صورت ممکن برگزار شده است، شنیدیم. از این که سرانجام بر مشکلات فائق آمدید، بسیار خوشحالیم. روزگار کنونی جامعه ما، لحظات سرنوشت سازی را پشت سر می نهد که ضرورت وجودی کانون در پشتیبانی و دفاع از اصول پایه و دیرینه آن که به بهای سنگینی تاکنون پاینبد بوده ایم را برجسته تر از هر زمان دیگر می نمایاند.

حضور درویشیان عزیز در جمع یاران، برایمان بسیار شادی بخش است که در اوضاع آشفته و تیره کنون، امید می آفریند.

برای همه شما یاران در داخل کشور، پیروزی و سرافرازی آرزو می کنیم.

گام هایتان استوارتر باد

هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
بیست و چهارم تیر ۱۳۸۷ - چهاردهم ژوئیه ۲۰۰۸

توطئه حکومت اسلامی ایران علیه کانون نویسندگان را خنثی کنیم!

ابتکار اخیر کانون نویسندگان ایران در جهت انتخاب هیات دبیران، حکومت جهل و جنایت اسلامی را بار دیگر آن چنان سراسیمه کرده است که به فکر توطئه جدیدی علیه این کانون افتاده است.

بیش تر از بیست و چهار ساعت از هجوم وحشیانه نیروهای امنیتی حکومت اسلامی به برگزارکنندگان مراسم هشتمین سالگرد درگذشت «احمد شاملو»، شاعر نامدار ایران نگذشته بود که روزنامه کیهان، این ارگان تبلیغی سانسور و سرکوب، در تاریخ روز پنجشنبه ۳ مرداد ۱۳۸۷ از قول معاون فرهنگی وزارت ارشاد، خبر داد: «هیچ نهاد رسمی با عنوان کانون نویسندگان در کشور به ثبت نرسیده و نهادی با این عنوان که مجوزی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرده باشد، وجود خارجی ندارد.» این روزنامه به نقل از محسن پرویز، هم چنین نوشته «افرادی که با این عنوان فعالیت می کنند، ممکن است همانند برخی افراد مختلف باشند که گردهم جمع شده اند و بیاینه سیاسی صادر می کنند و این فعالیت فرهنگی نیست.»

روزنامه کیهان، پا را از معاون دشمن فرهنگ آزادی خواهی، برابری طلبی و انسان دوستی فراتر گذاشته و خواستار برخورد «دستگاه های ذربیط» با کانون نویسندگان ایران شده است. بدین ترتیب، حکومت اسلامی ایران، در حال توطئه چینی جدیدی علیه کانون نویسندگان ایران است.

مراسم هشتمین سالروز درگذشت «احمد شاملو»، قرار بود با سازمان دهی کانون نویسندگان ایران و خانواده نویسندگان جان باخته، بعد از ظهر روز چهارشنبه دوم مرداد ۱۳۸۷ بر سر مزارش در گورستان «امامزاده طاهر» برگزار شود، اما ماموران حکومتی این محل را به محاصره خود درآوردند و علاوه بر این که از حضور مردم در این محل جلوگیری کردند، با یورش وحشیانه شان، برگزارکنندگان را نیز مورد ضرب و شتم قرار دادند و هم چنین کسانی را نیز دستگیر کردند.

بنا به گزارش یکی از سایت های اینترنتی، نیروهای امنیتی حکومت اسلامی که فرهنگ کشی و انسان ستیزی خصلت آن هاست، حتی حرمت خانم شاملو (آیدا)، همسر شاملو، که با در دست داشتن دسته گلی بر سر مزار شاعر بزرگ معاصر حاضر شده بود، نگه نداشتند و ردیلاته مورد توهین قرار دادند و از وی خواستند که هرچه سریع تر محل را ترک کند.

حکومت اسلامی ایران، نه تنها سی سال است حتی از برگزاری مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران جلوگیری کرده است، بلکه همواره هیات دبیران کانون را تهدید و دستگیر و زندانی کرده است. محمد مختاری، محمدجعفر پوینده و غفار حسینی از اعضای هیات دبیران وقت کانون بودند که در سال ۱۳۷۸، نخست توسط ماموران وزارت اطلاعات حکومت اسلامی ربوده شدند و سپس جنازه مثله شده آن ها را در حاشیه شهر رها کردند. علاوه بر این، حکومت اسلامی ایران تاکنون ده ها نویسنده و ده ها هزار انسان مبارز و آزادی خواه را ترور و یا اعدام کرده است. سران حکومت اسلامی ایران در جهان، به عنوان دشمن درجه اول آزادی بیان و قلم و تشکل معرفی شده اند و زنان ایران، یعنی نصف جمعیت این کشور را از ابتدایی ترین حق انسانی شان محروم کرده اند. و هرگونه اعتراض بر حق زنان، دانشجویان، کارگران و نویسندگان و هنرمندان را به خاک و خون می کشند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، یورش ماموران سرکوبگر حکومت اسلامی به مراسم سالگرد درگذشت احمد شاملو را شدیداً محکوم می کند و از همه نویسندگان، روزنامه نگاران، هنرمندان، و اعضای کانون در کشورهای مختلف می خواهد که در سطح بین المللی در ارتباط با تشکل های نویسندگان، روزنامه نگاران، نهادهای مدافع حقوق بشر، رسانه های بین المللی و...، توطئه جنایت کارانه حکومت اسلامی علیه کانون نویسندگان ایران را افشا و خنثی کنند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
سوم مرداد ۱۳۸۷ - ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۸

## نامه سرگشاده «کانون نویسندگان ایران (در تبعید)» به انجمن جهانی قلم

با تقدیم گرم ترین درودها!

یاران گرامی، شما به وضعیت غیرانسانی و نگران کننده ایران تحت حاکمیت اسلامی آگاهی دارید. حکومت اسلامی ایران، از یک سو حقوق مدنی و آزادی های اساسی مندرج در کنوانسیون ها و قوانین و مقررات بین المللی را که خود یکی از متعهدان اجرای آن است زیر پا می نهد و بی اعتنا به فاجعه هولناکی که ایران را تهدید می کند، به سیاستی به غایت قهقرایی و واپسگرایانه ادامه می دهد و از سوی دیگر، به تشدید فضای رعب و وحشت در جامعه ایران می

پردازد. این نگرانی های روز افزون ما را بر آن داشت که از شما همکاران نیز کمک خواسته و درخواست نماییم که با اقدام به سازمان دهی یک کمپین بین المللی مشترک برای دفاع از حقوق مدنی و اجتماعی از جمله آزادی بیان، قلم، تشکل و هم چنین لغو هرگونه شکنجه روحی و جسمی و اعدام و آزادی همه زندانیان سیاسی در ایران، هم صدا شویم.

زندان های آشکار و نهان حکومت اسلامی، مملو از زندانیان سیاسی زن و مرد، پیر و جوان، نویسنده و شاعر و هنرمند گرفته تا روزنامه نگار، وبلاگ نویس، معلم، فعال جنبش های دانشجویی، زنان، کارگران و اقلیت های ملی و حتی مذهبی است. علی رغم محکومیت های مکرر بین المللی، حکومت اسلامی ایران، هم چنان به سرکوب، شکنجه و اعدام های بی رحمانه با شدت هرچه بیش تری ادامه می دهد.

اکنون جامعه ایران، آستان حوادث مختلفی است. علاوه بر تشدید محاصره اقتصادی این کشور توسط شورای امنیت سازمان ملل، احتمال حمله نظامی به مراکز اتمی و نظامی این کشور نیز می رود. سرکوب های روزانه مردم توسط نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی، وضعیت بسیار بحرانی و نگران کننده ای را در این کشور به وجود آورده است. آن هم در حالی که بنا به اقرار محمد عباسی، وزیر تعاون دولت احمدی نژاد در یک کنفرانس مطبوعاتی، - روز یکشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۸۷ برابر با ۱۰ آگوست ۲۰۰۸-، جمعیت جویای کار در ایران را ۱۰ میلیون نفر اعلام کرد و اظهار داشت؛ نزدیک به ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور متقاضی اشتغال هستند. دستمزد ده ها هزار مزدبگیر به تعویق افتاده است و گرانی و تورم کمرشکن است. در چنین شرایطی، حکومت اسلامی هرگونه اعتراض و اعتصاب زنان، دانشجویان، کارگران و روشنفکران را شدیداً سرکوب می کند.

دستگاه قضایی رعب و وحشت حکومت اسلامی ایران، در اقدامی جنایت کارانه - صبح روز یکشنبه ۶ مرداد ۱۳۸۷ - ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۸-، ۳۰ نفر را فقط در تهران به دار آویخت. روز بعد نیز ۹ نفر دیگر اعدام شدند و این آدم کشی رسمی و نقشه مند دولتی هم چنان ادامه دارد.

این اولین بار نیست که حکومت اسلامی، به اعدام های گروهی زندانیان دست می زند. جوخه های مرگ حکومت اسلامی، در سال های اوایل انقلاب بهمن ۱۳۵۷، سال های ۶۰ تا ۶۲ و در سال ۱۳۶۷ با پایان جنگ ایران و عراق، زندانیان سیاسی را گروه گروه به جوخه های مرگ سپرده بودند. این حکومت، تنها از اوایل سال جاری تاکنون براساس آمارهای اعلام شده از سوی رسانه های رسمی همین حکومت، حدود ۲۵۰ نفر را اعدام کرده است که تجاوز و شکنجه و قتل بسیاری توسط ماموران مخفی حکومت در این آمار ها ی رسمی اعلام نشده و بلکه تحت هیچ شرایطی امکان بازرسی یا پیگیری قضایی نبوده است.

سازمان عفو بین الملل در تازه ترین گزارش خود درباره اعدام در جهان، اعلام کرده است که ایران رتبه دوم را در تعداد اعدام ها در سال گذشته داشته است. در سال ۲۰۰۷ در ایران دست کم ۳۱۷ اعدام شده اند این در حالی است که در چین ۴۷۰ نفر اعدام شده اند. حداقل ۱۴۰ نفر به خاطر خطاهایی که ادعا می شود قبل از سن ۱۸ سالگی مرتکب شده اند، در انتظار اعدام به سر می برند که این امر نقض آشکار تعهدات این کشور در قبال پیمان حقوق کودک است.

گروه های حقوق بشری اخیراً در گزارشی که چند هفته پیش درباره ایران منتشر کرده اند از محکومیت هشت زن و یک مرد به سنگسار در ایران خبر داده اند. در این نوع مجازات، مرد تا کمر و زن تا گردن در خاک قرار داده می شوند و با سنگ مورد حمله قرار می گیرند تا کشته شوند.

اتحادیه اروپا نیز در بیانیه ای که روز پنجشنبه، ۲۴ ژوئیه در بروکسل انتشار داد، از ایران خواسته است که به تعهدات ناشی از امضای قراردادهای بین المللی پایبند بماند و از اعمال «مجازات های وحشیانه و نافی حرمت انسان، مانند سنگسار، چه به لحاظ قانونی و چه در عرصه عملی» خودداری کند.

نگرانی دیگر ما، وضعیت خطرناک سرنوشت کانون نویسندگان ایران است. اخیراً به دنبال انتخابات هیات دبیران کانون نویسندگان ایران، حکومت اسلامی، رسماً این کانون را تهدید و «غیرقانونی» اعلام کرده است. محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت ارشاد، در گفتگو با خبرنگاری رسمی حکومت اسلامی ایران، «ایرنا»، اعلام کرد نهادی با عنوان «کانون نویسندگان» که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز دریافت کرده باشد وجود خارجی ندارد. محسن پرویز، در توضیح درباره فعالیت کنونی تشکل کانون نویسندگان ایران گفت: «ممکن است (این افراد) همانند برخی افراد مختلف گردهم جمع شده اند و بیانیه سیاسی صادر می کنند و این فعالیت فرهنگی نیست.»

محسن پرویز، برخورد با کانون نویسندگان، به عنوان «یک نهاد غیرقانونی» را وظیفه «دستگاه های ذی ربط» دانست و گفت: «جایی که فعالیت فرهنگی و مجوز ندارد، قانون باید با آن برخورد کند. محسن پرویز، در حالی کانون نویسندگان را تهدید می کند که کم تر از دو هفته از انتخابات هیات دبیران جدید کانون نویسندگان ایران نمی گذرد. علاوه بر این، روزنامه کیهان، روزنامه رسمی حکومت اسلامی که مسئولین آن نیز مستقیماً توسط خامنه ای، رهبر حکومت اسلامی انتخاب می شود نیز فراخوان برخورد با کانون نویسندگان را داده است و در رسانه دیگری به نام «ادوارد نیوز» که نویسنده ای آن از طرفداران شناخته شده حکومت است نیز کانون نویسندگان را غیرقانونی نامیده و اتهاماتی نیز بر علیه برخی از اعضای هیات دبیران کانون نویسندگان نسبت داده است.



این موضع گیری خصمانه معاون فرهنگی وزارت ارشاد حکومت اسلامی بر علیه کانون نویسندگان این کشور و فضای حاکم سانسور و اختناق بر جامعه ایران، ما را بیش از پیش نگران کرده است. اکنون وکیل مدافع یوسف عزیزی بنی طرف، عضو علی البدل هیات دبیران کانون نویسندگان، روز ۲۱ مرداد ۱۳۸۷ برابر با ۱۱ آگوست ۲۰۰۸، از محکومیت موکلش به پنج سال حبس از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران خبر داده است. وکیل مدافع یوسف عزیزی بنی طرف، به رسانه ها گفته است: «هم چنین موکل من به عنوان یک نویسنده ایرانی که حدود ۲۵ کتاب داستانی، تاریخی و اجتماعی به زبان فارسی نوشته است.»

در چنین موقعیتی مشکلات و خطرات عدیده رسمی و غیررسمی بر سر راه اعضای هیات دبیران و اعضای علی البدل و بازرسان و دیگر دست اندرکاران کانون نویسندگان قرار گرفته است. به خصوص ما تجربه تلخ و ناگواری از گذشته داریم. حکومت اسلامی ایران، نه تنها چندین دهه است که از فعالیت کانون نویسندگان ایران جلوگیری کرده است، بلکه همواره هیات دبیران کانون را تهدید و دستگیر و زندانی کرده است. محمد مختاری، محمدجعفر پوینده و غفار حسینی، از اعضای هیات دبیران وقت کانون بودند که در سال ۱۳۷۸، نخست توسط ماموران وزارت اطلاعات حکومت اسلامی ربوده شدند و سپس جنازه مثله شده آن ها را در حاشیه شهر رها کردند.

اخیرا وزارت ارشاد حکومت اسلامی، به برخی از نویسندگان سرشناس ایران هشدار داده و گفته است که کانون حق برگزاری هیچ جلسه ای را ندارد.

علاوه بر این، حکومت اسلامی ایران تاکنون ده ها نویسنده و ده ها هزار انسان مبارز و آزادی خواه را در داخل و خارج کشور ترور و یا در زندان ها اعدام کرده است. هم چنین سران حکومت اسلامی ایران در جهان، به عنوان دشمن درجه اول آزادی بیان و قلم و تشکل معرفی شده اند.

در قوانین جدیدی که در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است از جمله قوانین علیه وبلاگ نویسان بسیار سخت تر و حتی حکم اعدام در نظر گرفته شده است.

همه این وقایع ما را به شدت نگران کرده است. از این رو، باید افکار عمومی جهانی را نسبت به توطئه جدید حکومت اسلامی علیه کانون نویسندگان ایران، و هم چنین علیه تشدید رعب و وحشت و شکنجه و اعدام در این کشور، آگاه کرد و خواست که از هر طریق ممکن این اعمال حکومت اسلامی ایران را محکوم کنند و به حمایت و پشتیبانی از فعالیت های کانون نویسندگان ایران و هم چنین مبارزات بر حق عدالت خواهانه و آزادی خواهانه مردم ایران برخیزند. ما در این راستا به همکاری و حمایت فعال انجمن جهانی قلم نیاز عاجل داریم.

#### همکاران محترم!

بیست و هفت سال از شکنجه و اعدام سعید سلطان پور، عضو برجسته و فعال کانون نویسندگان ایران، و از نخستین قربانیان دهه شصت و بیست سال از قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ می گذرد، اما هم چنان امواج سرکوب، دستگیری، صدور احکام زندان، شکنجه و اعدام برای فعالان عرصه های مختلف اجتماعی و سیاسی از نویسندگان و دانشجویان تا کارگران، زنان و دیگر فعالان اجتماعی ادامه دارد.

مقامات حکومت اسلامی ایران، هم چنین انتشار صدها کتاب از جمله کتاب هایی را که یک یا چندین بار منتشر شده اند نیز اکنون ممنوع کرده است. اعمال فشار بر ناشران مستقل شدیدتر شده است. برخی از فیلم ها ممنوع شده و چندین سازمان فرهنگی و هنری را تعطیل کرده اند.

با توجه به این که ایران دارای بیش ترین تعداد روزنامه نگاران زندانی در خاورمیانه است، محاکمه آن ها غیرعادلانه و حتی بدون حضور وکیل مدافع «متهم» در پشت درهای بسته صورت می گیرد. آن ها زندانیان سیاسی را مدت طولانی در حبس انفرادی و بدون دسترسی به مراقبت پزشکی کافی نگهداری می کنند.

از زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴، مطبوعات و نویسندگان و روزنامه نگاران با فشارها و محدودیت های زیادی روبرو شده و روزنامه نگاران با سانسور گسترده و مجازات زندان به دلیل نوشته های خود دست به گریبان اند. بیش از ۵۰ روزنامه نگار در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد روانه زندانی شده اند.

احمدی نژاد، رئیس جمهوری و سردار صفار هرندی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، روزنامه ها و مجله ها را یکی پس از دیگری می بندند و روزنامه نگاران را تحت تعقیب قرار می دهند.

در چنین شرایطی، هر گاه نویسندگان، زنان، دانشجویان، کارگران و مردم آزادی خواه و تحت ستم در مقابل این همه فشارهای اقتصادی، صنفی، سیاسی و اجتماعی دست به اعتراض و مقاومت می زنند از سوی نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی مورد هجوم، ضرب و شتم، دستگیری، زندان و شکنجه قرار می گیرند. اکنون زندانی های حکومت اسلامی مملو از زندانیان سیاسی و یا کسانی که به دلیل فقر و فلاکت اقتصادی دست به بزهکاری زده اند، است. از جمله می توان به دستگیری های زیر به عنوان نمونه اشاره کرد:

- «افشین شمس قهفرخی»، دبیر و عضو انجمن کاریکاتور اصفهان، از سوی ماموران امنیتی حکومت اسلامی در اصفهان، به دلیل فعالیت های کارگری و دفاع از حقوق کارگران در محل کار خود در شهرستان الیگودرز در تاریخ سیزدهم تیر ماه ۱۳۸۷ دستگیر و روانه زندان دستگرد اصفهان شده است. در این رابطه روز شنبه پانزدهم تیر

ماه، منزل پدر وی در اصفهان، مورد بازرسی قرار گرفته و کلیه دست نوشته های وی که در رابطه با مسائل کارگری بود توسط مامورین اداره اطلاعات اصفهان ضبط شده است.

- هانا عبدی، فعال حقوق زنان، دانشجوی ۲۱ ساله دانشگاه پیام نور بیجار و از اعضای انجمن زنان آرمهر کردستان که از یازدهم مهر ماه سال گذشته توسط نیروهای امنیتی در شهر سنندج بازداشت شده بود در يك حکم بی سابقه به ۵ سال حبس محکوم شد. در این رابطه محمد شریف، وکیل هانا عبدی، این حکم را به شدت غیرمتناسب نامیده است.

- مامورین امنیتی حکومت اسلامی، در مقطع ۱۶ آذر سال گذشته و هم چنین در آستانه سالروز ۱۸ تیر (شبیخون به کوی دانشگاه در تیر ماه ۱۳۷۸)، ده ها تن از فعالین جنبش دانشجویی را در شهرهای مختلف ایران دستگیر و زندانی کردند.

- در پی اعتراضات دانشجویان دانشگاه تبریز نسبت به مسائل دانشجویان ستاره دار و اقدامات غیرقانونی حراست، ۳۷ تن از دانشجویان به کمیته انضباطی دانشگاه احضار شدند.

- روز سیزدهم تیر ماه ۱۳۸۷، حکم نهایی و قطعی هشت ماه حبس تعزیری عابد توانچه، از سوی دادگاه تجدید نظر تایید شد. در هیچ یک از مراحل دادرسی و بررسی پرونده عابد توانچه به ایشان و وکیل حقوقی وی دکتر حاجی مشهدی امکان حضور و ارائه دفاع داده نشد و لایحه دفاع هم با اصرار و فشار وکیل پرونده از سوی دادگاه پذیرفته شد. وی هم اکنون در زندان بسر می برد. تنها «جرم» عابد و همه دانشجویان دربند و تحت تعقیب، دفاع از حقوق و آزادی های دانشجویان و مردم محروم و ستم دیده است.

- منصور اساتلو، رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، بدون هیچ دلیلی هم چنان در زندان بسر می برد.

- محمد صدیق کیودوند در ماه مه سال جاری در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ۱۱ سال زندان محکوم شد. محکومیت وی شامل ۱۰ سال زندان به خاطر «اقدام علیه امنیت کشور» به دلیل تاسیس سازمان حقوق بشر کردستان، و يك سال زندان به اتهام «تبلیغ علیه نظام» بوده است. وی به عنوان رییس سازمان حقوق بشر کردستان و به عنوان يك روزنامه نگار فعالیت داشت.

- سامان رسول پور، روزنامه نگار و عضو سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان که روز یکشنبه ۶ مرداد ۱۳۸۷، از سوی ماموران امنیتی در مهاباد بازداشت شد، به بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه منتقل شده است. اتهام و دلیل بازداشت سامان رسول پور، مشخص نیست، اما گفته می شود وی برای ادامه بازرجویی به اداره اطلاعات ارومیه انتقال یافته است.

- صبح روز دوشنبه ۱۴ مرداد ماه ۱۳۸۷ برابر با ۴ آگوست ۲۰۰۸، یعقوب مهرنهاد نویسنده وبلاگ مهرنهاد و دبیر انجمن جوانان صدای عدالت در زندان مرکزی زاهدان اعدام شد. در بهمن ماه امسال پس از یک دادگاه غیرعلنی و مبهم حکم اعدام او صادر شده بود. پس از اعتراضات بین المللی ابراهیم، برادر ۱۶ ساله آقای مهرنهاد نیز دستگیر شد که هم اکنون در زندان زاهدان به سر می برد. مهرنهاد ۲۸ ساله و صاحب سه فرزند بود.

- شعبه ۱۰۱ دادگاه جزایی سنندج، روز ۱۵ مرداد ۱۳۸۷ - ۵ آگوست ۲۰۰۸، برای چهارتن از کارگران شرکت کننده در مراسم اول ماه مه (روز جهانی کارگر) امسال این شهر، احکام شلاق و زندان صادر کرد. بر اساس این حکم، سوسن رازانی به ۹ ماه حبس و ۷۰ ضربه شلاق، شیوا خیرآبادی به ۴ ماه زندان و ۱۵ ضربه شلاق، عبدالله خانی (عبه نجار) به ۹۱ روز زندان و ۴۰ ضربه شلاق و سید غالب حسینی به ۶ ماه زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده اند. احکام صادره به این چهارتن ابلاغ گردیده است.

- بنا به گزارش وبلاگ تبریز نیوز، شعبه دوم دادگاه تجدید نظر کیفری استان آذربایجان شرقی، ۱۵ مرداد ۱۳۸۷ - ۵ آگوست ۲۰۰۸، علی داداشی روزنامه نگار در تبریز را به ۵۰ ضربه شلاق تعزیری محکوم کرد.

- بنا به گزارش خبرنگار دانشجویی امیرکبیر، ۱۶ مرداد ۱۳۸۷ - ۶ آگوست ۲۰۰۸، نزدیک به ۴۰ نفر از دانشجویان تربیت معلم در تابستان به کمیته انضباطی احضار شدند. برای ۷ نفر دیگر نیز حکم محرومیت از تحصیل صادر شده است. محمد شریفی، فاروق معروفی، امیر سالاری، سیوان فرخزاد، مصلح فتاح پور، امین آریا، عباس رشیدی و خانم صداقتی به دو ترم محرومیت از تحصیل محکوم شده اند.

- بنا به گزارش روزنامه اعتماد ملی، روزنامه مهدی کروی رییس سابق مجلس شورای اسلامی، روز ۱۷ مرداد ۱۳۸۷ - ۷ آگوست ۲۰۰۸، در سال گذشته برای بیش از ۳۵ نشریه دادگاه تشکیل شد. در کنار این دادگاه ها هیات نظارت بر مطبوعات ۲۱ نشریه و روزنامه را لغو امتیاز کرده است.

آن چه که ملاحظه کردید فقط نمونه ها و گوشه هایی از انبوه جنایت، سانسور و جنگ حکومت اسلامی علیه آزادی اندیشه، بیان، قلم و تشکل است.

- با صدور حکم اعدام برای حبیب الله لطیفی دانشجوی کرد سنندجی در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۸۷ برابر با ۱۳ آگوست ۲۰۰۸، به ۸ نفر رسید. حبیب الله لطیفی، ۲۶ ساله، اهل سنندج و دانشجوی حقوق دانشگاه ایلام، از مهر ماه سال گذشته در بازداشت به سر می برد. در زمان بازداشت حبیب الله لطیفی در بازداشتگاه اطلاعات سنندج، چندین بار در اثر شکنجه های اعمال شده دچار خونریزی های داخلی شده و در بعضی موارد موجب بی هوشی وی

و انتقال نامبرده به بیمارستان گردید، طوری که در چند مرحله در بیمارستان توحید و بیمارستان تامین اجتماعی سنندج بستری شد.

قبل از این نیز عدنان حسن پور(روزنامه نگار)، هیوا بوتیمار(فعال مدنی و روزنامه نگار)، فرزاد کمانگر(معلم و فعال مدنی)، انور حسین پناهی(معلم و فعال مدنی)، فرهاد وکیلی(فعال مدنی)، علی حیدریان(فعال مدنی)، ارسلان اولیایی(فعال مدنی)، به اعدام محکوم شده اند.

یاران!

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، در راستای اهداف و منشور کانون نویسندگان ایران، در دفاع از آزادی بیان، اندیشه و مبارزه با سانسور و اختناق، ضمن محکوم کردن این سرکوب ها، دستگیری ها و احکام زندان و شکنجه و اعدام از مبارزات نویسندگان، کارگران، دانش جویان، زنان و فعالان اجتماعی دیگر پیگیرانه حمایت می کند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، که یک نهاد مستقل و دمکراتیک نویسندگان ایران به ویژه در کشورهای غربی است همواره مخالف هرگونه محاصره اقتصادی ایران و حمله نظامی به این کشور است. روشن است که تحولات داخل ایران بر علیه حکومت باید مستقیماً توسط مردم آزادی خواه ایران و با حمایت و پشتیبانی مردم آزادی خواه و انسان دوست جهان صورت گیرد نه با دخالت نیروی خارجی.

جامعه ایران در حال حاضر، وضعیت بسیار حساسی را از سر می گذراند. اوضاع ایران بسیار خطرناک، از جمله ما عمیقاً نگران گسترده تر شدن سرکوب های حکومت اسلامی و هم چنین توطئه های جدید این حکومت بر علیه اعضای کانون نویسندگان ایران هستیم.

از این رو، از شما تقاضا داریم از همه تشکل های عضو انجمن جهانی قلم در همه کشورهای جهان درخواست کنید تا با یک همبستگی بین المللی صدای اعتراض ما را به گوش افکار عمومی جهان و سازمان های ذیربط برسانند تا ضمن محکوم نمودن جنایات حکومت اسلامی علیه بشریت، از هر طریق ممکن به حمایت از تلاش ها و مبارزات بر حق، عدلانه و آزادی خواهانه روشنفکران، کانون نویسندگان، فعالین جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش کارگری و حقوق اقلیت های ملی و مذهبی در ایران برخیزند.

پیشاپیش از توجه و همبستگی و یاری رسانی تان در حمایت از مبارزات بر حق و عدلانه نویسندگان و مردم آزادی خواه و عدالت خواه جامعه ایران، سپاسگزاریم و بی صبرانه در انتظار پاسخ و اقدامات انسان دوستانه شما هستیم.

با احترام

هیات دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
سی ام مرداد ۱۳۸۷ - بیستم آگوست ۲۰۰۸

شهلا آقاپور، آلمان: shahla@aghapour.de

ستار لقای، بریتانیا: bookpressuk@aol.com

بهرام رحمانی، سوئد: bamdadpress@ownit.nu

www.iwae.org

کپی به:

- رسانه های گروهی
- گزارشگران بدون مرز
- سازمان عفو بین الملل
- کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل
- کمیسیون حقوق بشر پارلمان اروپا
- نهادهای دمکراتیک نویسندگان، روزنامه نگاران، هنرمندان، کارگران، دانشجویان، زنان و...
- سازمان ها و احزاب سیاسی

## برای آزادی علیرضا ثقفی بکوشیم!

علیرضا ثقفی، روزنامه نگار و عضو کانون نویسندگان ایران، روز سه شنبه ۵ شهریور ۱۳۸۷ برابر با ۲۶ آگوست ۲۰۰۸، بازداشت شد. وی، روز دوشنبه از طریق تلفن به دفتر پیگیری (اطلاعات) در خیابان صبا احضار شده بود، روز سه شنبه بعد از حضور در این مرکز ناپدید گردید. تا این که بنا به گفته نزدیکان ثقفی، بازجوی وی روز چهارشنبه در تماس تلفنی با خانواده وی خبر داده است که ثقفی به زندان اوین منتقل شده است. ثقفی، سردبیری ماهنامه «راه آینده» بود که پس از هشت شماره، توقیف گردید.

بازداشت علیرضا ثقفی در شرایطی صورت می گیرد که فشار بر نویسندگان، روزنامه نگاران، هنرمندان، فعالین جنبش کارگری، زنان و دانشجویان، و زندان و اعدام نسبت به گذشته شدیدتر شده است.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، ضمن محکوم کردن جنایات بی شمار حکومت اسلامی، از جوامع بین المللی انتظار دارد که برای آزادی فوری و بدون قید و شرط آقای ثقفی و آزادی همه زندانیان سیاسی، و هم چنین لغو

شکنجه و اعدام و قوانین آزادی ستیز در ایران، از یک سو حکومت اسلامی ایران را تحت فشار قرار دهند و از سوی دیگر، از مبارزات بر حق آزادی خواهانه مردم ایران، حمایت و پشتیبانی به عمل آورند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
هفتم شهریور ۱۳۸۷ - بیست و هشتم اوت ۲۰۰۸

## بیستمین سالگرد کشتار همگانی زندانیان سیاسی جنایتی علیه بشریت

کشتار همگانی زندانیان سیاسی در دهه شصت شمسی، یکی از پلیدترین تبه کاری های حکومت اسلامی ایران است. در طول سال های ۱۳۶۰-۶۲ و در دو ماه مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ شمسی، هزاران زندانی سیاسی به دست پاسداران رژیم آزادی کش و جنایت کار حکومت اسلامی به قتل رسیدند و خون شان پرچم آزادی و شرف انسانی را رنگین نمود.

کارنامه حکومت اسلامی در طول سی سال حاکمیت خونبارش چیزی جز تزویر و دروغ و غارت و پلیدی نیست. زندان، شکنجه های جسمی و روانی، تجاوز، اعدام، سنگسار، اعمال وحشیانه ترین فشارها و تحمیل خشن ترین شیوهای زندان به زندانیانی که از تیغ مرگ رهائی یافتند و سال ها در زندان ها باقی ماندند از جمله این سیاهه بلند و کارنامه ضد انسانی حاکمیت اسلامیست.

در طول این سال ها، تبه کاری های حکومت اسلامی محدود به زندان ها نبوده است. تمامی مردم کشور ما، در کل جامعه نیز، حال و روز و سرنوشتی بهتر از فرزندان زندانی خود نداشته اند. بی عدالتی و سرکوب آزادی و اعمال فشار بر توده های محروم جامعه، دستور کار همیشگی حکومت اسلامی را تشکیل داده است. فقر، بیماری، بیکاری، بی حقوقی به ویژه محرومیت عظیم زنان از حقوق انسانی و برابر، در هر موقعیت اجتماعی و سیاسی، اعم از هنگامه اعتراضات، تا حتی زمان آرامش در خانه و چهاردیواری زندگی شخصی، بخش اساسی عملکرد این رژیم بوده است. در طول این سال ها، انسان های بسیاری، فقط به خاطر نوشتن و سخن گفتن از آزادی و برابری و دفاع از حق زندگی انسانی، روانه زندان و گرفتار شکنجه و مرگ شده اند.

با وجود همه سرکوب های جنایت بار؛ حکومت اسلامی هنوز در کابوس مرگ بسر می برد و از هراس سرنوشتی خویش، هم چنان به کشتار و شکنجه و سرکوب و اعمال فشار ادامه می دهد و حتی از گردهمائی خانواده زندانیان سیاسی بر گورهای همگانی جانباختهگان زندانی می هراسد. چرا که مردم ایران، در طول همه این سال ها، دست از مقاومت در برابر این رژیم سلطه گر، ستم گر و استثمارگر برنداشته اند و دمی از مبارزه غفلت نکرده اند.

مردم ایران، در دفاع از حق زندگی آزاد، یاد فرزندان دلاور خود، یاد مقاومت همه آن هایی را که سال ها در زندان ها شکنجه شدند و زجر کشیدند و دست از دفاع از شرف انسانی و آرمان آزادی و برابری برنداشتند، گرامی می - دارند و هر جا بتوانند، خاطره فرزندان پیکارگر خود را زنده نگه خواهند داشت.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) نیز، بنا به ماهیت آرمانی خود در دفاع از آزادی اندیشه و بیان، همراه مردم ایران، در دفاع از خاطره تابناک ستاره های درخشان تیره ترین شب های تاریخ سرزمین بلازده مان، خاطره زندانیان سیاسی جانباخته و همه مبارزان راه آزادی و برابری را گرامی می دارد و به شور و پیکار آنان در پاسداری از شرف و آزادی انسان درود می فرستد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
شهریور ۱۳۸۷

**محسن حکیمی آزاد باید گردد!**

کانون نویسندگان ایران، دیروز سوم دی ماه ۱۳۸۷ - ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸، با انتشار اطلاعیه خبر داده است که محسن حکیمی، نویسنده و مترجم، عضو علی البدل هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران و فعال جنبش کارگری توسط مامورین اطلاعاتی حکومت اسلامی دستگیر شده است. در این اطلاعیه آمده است:

«به قرار اطلاع محسن حکیمی، عضو کانون نویسندگان ایران، شامگاه دوم دی ماه هنگامی که برای دیدار یکی از دوستان خانوادگی خود به منزل او می رود از سوی مامورانی که برای بازرسی به آن محل رفته بودند بازداشت می شود. این بازداشت در شرایطی انجام گرفته است که از پیش نه هیچ پرونده‌ای علیه او وجود داشته و نه اتهامی بر ضد او اقامه شده است.

کانون نویسندگان ایران این بازداشت خودسرانه را محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محسن حکیمی است.»

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، هم صدا با کانون نویسندگان ایران، بازداشت محسن حکیمی را شدیداً محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط وی است.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، از همه نهادها و تشکل‌های نویسندگان و روزنامه نگاران، سازمان‌ها و نهادهای مدافع حقوق بشر درخواست می‌کند که از هر طریق ممکن این سیاست‌های ضدانسانی حکومت اسلامی را محکوم کنند و برای آزادی محسن حکیمی و هم چنین آزادی افشین شمس، منصور اسانلو، محمدصدیق کیوند، فرزند کمانگر و همه زندانیان سیاسی اقدامات عاجلی را در سطح بین‌المللی به کار گیرند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
چهارم دی ۱۳۸۷ - ۲۴ دسامبر ۲۰۰۸

## شادباهش سال ۲۰۰۹

انسان‌های آزاده، هموندان گرامی!

سال نو میلادی فرا می‌رسد و جهان با تب و تاب هر ساله اش به پیشواز سال تازه می‌رود. علیرغم همه دردها و ناروایی‌ها و جنگ‌ها و کشتارها، علیرغم همه بحران‌ها و خطرهای چالش‌های پیش رو، لحظه شادی و صلح و دوستی را دریابیم و بسان نهالی در سترون روزگار کنون، سبز و سرافراز دست‌های یکدیگر را به صمیمیت و یگانگی و همدلی و همبستگی در جهت ساختن دنیایی بهتر و انسانی‌تر بفشاریم.

کانون نویسندگان ایران در تبعید، سال نو میلادی را به همه شما شادباهش می‌گوید و یاد همه یاران اهل قلم پرکشیده و دربند را گرامی می‌دارد.

با مهر و احترام  
دبیران کانون نویسندگان ایران در تبعید

## بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

### بهار و نوروز را گرامی بداریم!

انسان های آزاده، هموندان گرامی  
فرارسیدن بهار را به تازه شدن و رستن جشن بگیریم. امسال نیز مانند سال پیش جامعه ما با همه دشواری های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، سانسور و اختناق و هم چنین اندوه و در بند بودن بهترین فرزندان سرزمین مان و پر کشیدن بسیاریانی دیگر که یاد و خاطرشان را هر روز و هر لحظه این سال هم با خود داشته و داریم؛ چرخه دوباره برخاستن و جوانه زدن از دل خمودگی و افسردن را با برافروختن آتش چهارشنبه سوری، سرخی مهر و سرزندگی آواز داده ایم و به شادابی بهار و آغازی دوباره به زیستن و سرافرازی پای کوبیده ایم. امید که این بهار گل افشان رهایی و آزادی و نیکیبختی را برای سرزمین و مردم مان به ارمغان بیاورد.  
کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، با گرامی داشت یاد و خاطره همه جان های شیفته سرزمینمان، که در دل خاوران های کشور و یا در بی دادگاه های آشکار و نهان شب پرستانند، نوروز هشتاد و هشت را به همه شما شادباش می گوید.

بهاران بر شما خجسته باد  
کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
نوروز ۱۳۸۸

### روز جهانی زن بر همه هموندان و برابری طلبان خجسته باد!

هشت مارس روز جهانی زن فرا رسیده است. زنان ایرانی نیز در پیوند با همه زنان آزادی خواه جهان که به ویژه برای احقاق حقوق زنان تلاش می کنند، این روز را جشن گرفته و با همبستگی گسترده تر ملی و بین المللی به اعمال نابرابری ها و ناروایی ها، از سوی حکومت اسلامی اعتراض می کنند.  
زنان کشور ما، طی سی سال اخیر، در همه زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، با چالش های بسیاری روبرو بوده و هستند که با وجود دست آوردهای مبارزاتی تا دوره معاصر، مورد سرکوب حکومت اسلامی قرار گرفته و نه تنها برای حفظ آنچه که فرایند دهه ها مبارزه بوده، ناگزیر از مقاومت و ایستادگی بوده اند.  
ابعاد ستم بر زنان دامنه گسترده ای از محیط خانواده تا جامعه و محیط کار را در برمی گیرد. هیچ عرصه ای از جامعه نیست که ما شاهد سرکوب و ستم و تبعیض بر زنان نباشیم. نیروهای امنیتی و انتظامی این حکومت، دختران و زنان را به بهانه «طرح امنیت اجتماعی» در کوچه و خیابان مورد تعرض قرار می دهند؛ به بهانه عدم رعایت «حجاب اسلامی» به آن ها توهین می کنند و آنان مورد ضرب و شتم قرار می دهند. علاوه بر یورش دایمی به زنان در خیابان ها، با طرح سهمیه بندی و بومی سازی جنسیتی در دانشگاه ها و نیز طرح ارتجاعی «لایحه حمایت از خانواده» و ... زندگی زنان را به تباهی می کشانند، فقط گوشه هایی از انبوه کارنامه سیاه حکومت اسلامی علیه زنان را به نمایش می گذارد. حتی در قوانین حکومت اسلامی نیز برابری حقوقی بین زن و مرد به رسمیت شناخته نشده است و خواست ها و مطالبات بر حق زنان هر روز به غیرانسانی ترین شکلی سرکوب می شود. هر سال هزاران زن، به دلیل فعالیت های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، تحت تعقیب و بازجویی و زندان و شکنجه قرار می گیرند. مامورین حکومت اسلامی، در روز ۳۰ بهمن ماه امسال، دو زن کارگر و فعال جنبش زنان را با سببیت فوق العاده ای در سنندج، تنها به دلیل شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در ساختمان دادگستری این شهر، شلاق زدند. این واقعت عینی و جلوه ای از سرکوب و ستم رسمی و قانونی سی ساله حکومت اسلامی، علیه زنان است.  
امسال نیز هم چون سی سال گذشته زنان میهنمان به خصوص زنان هنرمند، نویسند، شاعر، روزنامه نگار، میلیون ها زن کارگر و خانه دار و تلاشگران پهنه حقوق و آزادی های اساسی مورد سرکوب و شکنجه و زندان قرار گرفته اند و هنوز شرایط خفقان و تحمیق و خرافه ادامه دارد.

حضور پر بار و همبسته زنان در صحنه های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، به منظور ایجاد جامعه ای آزاد و انسانی، و بدور از قوانین زن ستیز و فرهنگ قهقرایی حکومت اسلامی و مردسالاری، نوید آینده ای روشن و بالنده را می دهد.  
کانون نویسندگان ایران در تبعید، هم صدا با زنان آزادی خواه، این روز را گرامی داشته و همگان را به پشتیبانی از تلاش های آزادی خواهانه و حق طلبانه زنان، برای کسب آزادی بی حد و حصر قلم، تصویر، بیان و اندیشه فرا می خواند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید  
مارس ۲۰۰۹



## بیانیه مشترک کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران (در تبعید) (در رابطه با تشدید سانسور و اختناق در ایران)

کانون نویسندگان ایران، اخیراً با انتشار بیانیه‌ای، به تشدید سرکوب و سانسور در جمهوری اسلامی اعتراض کرده و در این باره هشدار داده است. این هشدار به‌جا که، بیان‌گر شدت یافتن سرکوب از سوی سلطه‌گران جمهوری اسلامی است را باید جدی گرفت و در حمایت از هشدار کانون، اقدامات گسترده سازمان داد.

در بخشی از این بیانیه که «تشدید سرکوب و سانسور» نام دارد آمده است: «روز یازدهم اردیبهشت ۱۳۸۸ کسانی که فقط برای بزرگداشت روز جهانی کارگر در پارک لاله تهران گرد آمده بودند مورد هجوم و ضرب و شتم صدها نفر از ماموران علنی و مخفی قرار گرفتند که از پیش سازمان‌دهی شده و در محل آب‌نمای پارک منتظر ایستاده بودند. در جریان این هجوم حدود یک صد نفر بازداشت شدند. بسیاری از این بازداشت‌شدگان از رهگذرانی بودند که بی‌خبر از همه جا آمده بودند تا ساعتی از بعد از ظهر روز جمعه خود را در پارک بگذرانند، اما اکنون همه آن‌ها در بند ۲۴۰ زندان اوین در انتظار اتهام‌های سنگین و عجیب و غریب‌اند...»

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران (در تبعید)، یعنی دو نهادی که در راستای کانون نویسندگان در ایران حرکت می‌کنند، بر اساس تعهد خود به دفاع از آزادی اندیشه و بیان و مبارزه با سانسور، برآنند که افکار عمومی مردم جهان و نویسندگان و روزنامه‌نگاران و نهاد بین‌المللی را نسبت به این سرکوب تازه و آنچه اکنون در ایران می‌گذرد جلب کنند و به افشای سیاست‌های غیرانسانی حکومت اسلامی در این رابطه بپردازد.

حکومت اسلامی، در فضای تبلیغاتی انتخابات ریاست جمهوری خود، می‌کوشد با تشدید هر چه بیشتر و گسترده‌تر سانسور و اختناق و ماشین اعدام، یک جنگ روانی تمام عیار علیه جامعه، نویسندگان و علیه سایت‌های اینترنتی و وبلاگ نویس‌ها و تشکل‌های دمکراتیک و رسانه‌های عمومی مستقل راه بیاندازد و با ایجاد وحشت در میان مردم، از هرگونه اعتراض اجتماعی و خیزش‌های همگانی در قبال رسوائی‌ها و شیوه‌های ارتجاعی انتخاباتی خود پیشگیری کند.

اقدامات سرکوب‌گرانه تازه حکومت اسلامی تنها به حوادث اخیر در رابطه با مراسم اول ماه مه محدود نمی‌شود؛ بلکه وزارت ارشاد حکومت اسلامی نیز، دیگر به هیچ رسانه و روزنامه‌نگار مستقل اجازه فعالیت نمی‌دهد و مانع تجدید چاپ بسیاری از کتاب‌هایی می‌شود که در گذشته اجازه نشر گرفته‌اند، روزنامه‌های رسمی را که کوچک‌ترین انتقادی به شرایط کنونی دارند تعطیل می‌کند، تهدید، دادن اخطار و اخراج و بازداشت روزنامه‌نگاران، لغو مجوز انتشار، پرداخت جریمه نقدی، جلوگیری از ارائه آثار نویسندگان بسیار در نمایشگاه کتاب، جلوگیری از حضور چند ناشر سرشناس در نمایشگاه، زدن اتهام‌های غیرواقعی «امنیتی - سیاسی» و توقیف فیلم‌ها و تولیدات هنرمندان از نمونه‌های دیگر این سرکوب تازه است. حتی کار به آن‌جا کشیده است که محمدحسین صفار هرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در آستانه برگزاری نمایشگاه کتاب تهران در قم می‌گوید: «هفتاد درصد کتاب‌هایی که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت قبل مجوز چاپ گرفته، دارای انحرافات اساسی بوده‌اند.»

مطبوعات ایران در سال ۱۳۸۷، شرایط سختی را متحمل شدند. فقط در بهار این سال پنج روزنامه تعطیل و در کل سال، ۲۰۱ نشریه لغو امتیاز شد. براساس نظرسنجی خبرگزاری فارس «۵۴ درصد خبرنگاران مورد حمایت قانون نیستند.» و سران حکومت و مقامات اسلامی، از اینترنت به عنوان وسیله‌ای برای «براندازی» نام می‌برند. به طوری که عملاً سال ۸۷، سال بسیار وخیمی برای روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان و نویسندگان در ایران بود.

آمار و اقدامات دیگر در این زمینه چنین است:

- دستگیری و زندانی شدن ۱۷ وب‌نگار و وبلاگ نویس از سوی مقامات قضایی و امنیتی.
- اعدام «یعقوب مهرنهاد»، روزنامه‌نگار و وبلاگ نویس در زندان زاهدان.
- در گذشت امید میرصیافی، به شکل بسیار مشکوک در زندان اوین.
- خبرنگار زندانی محمد حسن فلاحیه زاده، ۱۰ اسفند ماه بدون هیچ دلیلی و ب‌صورت ناگهانی به بند مخوف ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده است. وی، در اوایل سال جاری پس از ماه‌ها بدون ملاقات بودن، توانست با همسرش ملاقات کوتاهی داشته باشد.
- تصویب یک طرح ۱۳ ماده‌ای با قید یک فوریت در ۱۲ تیر ماه ۸۷، در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی مبنی بر «تشدید مجازات اخلاص در امنیت روانی». ماده ۲ این طرح «دایر کردن وبلاگ و وبسایت مروج فساد و فحشا، الحاد» را در کنار جرایمی چون «راهزنی، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، تشکیل خانه فساد و فحشا» قرار داده است که مجازات اعدام دارد.

- تاسیس «کمیته جدید فیلترینگ» در چارچوب تصویب «قانون جرایم رایانه‌ای» (در تاریخ ۱۳ آبان ۸۷)

- تهیه «لیست سیاه» سایت‌های «ممنوعه» برای مسدود سازی از سال ۱۳۸۱ از طریق «کمیتة مصادیق فیلترینگ» در زیر مجموعه شورای عالی فرهنگی با ریاست رییس جمهور اسلامی. (از جمله سایت‌های عمومی خارجی مسدود شده در ایران یوتیوب، قیس بوک و اورکوت هستند.)

- صدور اطلاعیه‌ای به نام «انهدام تعدادی از شبکه‌های سازمان یافته ضد دین، امنیت، فرهنگ و عفت عمومی» که «به زبان فارسی در اینترنت» فعالیت می‌کردند، از سوی سپاه پاسداران در روز ۲۸ اسفند سال ۸۷.

- انتشار خبر تشکیل دادسرای ویژه جرایم اینترنتی از سوی دادستان عمومی و انقلاب تهران در اواسط آذر ماه ۱۳۸۷.

- درخواست دادستان کل کشور (دهم فروردین ۱۳۸۸)، از وزارت ارتباطات مبنی نظارت بر ارائه خدمات پیام کوتاه چندرسانه‌ای توسط تلفن‌های همراه، برای جلوگیری از بروز «پدیده‌های نابهنجار اجتماعی و اختلال در اخلاق عمومی»

- موضع‌گیری یک مقام مرکز جرایم سازمان یافته سایبری سپاه در ایرنا (۲۱ فروردین ۱۳۸۸) مبنی بر این که «هر شخص حقیقی یا حقوقی به هر طریق نرم و در فضای مجازی اقدام به گسترش عملیات ضد دین، ضد فرهنگ و براندازانه کند، این نیرو لحظه‌ای از او غافل نخواهد بود و به شدت در هم کوبیده خواهد شد.»

- دستور حجت‌الاسلام دری نجف‌آبادی، دادستان کل کشور حکومت اسلامی، به وزارت ارتباطات و فناوری برای کنترل بیش‌تر بر سرویس امام‌اس (سرویس پیام چند رسانه‌ای) و سانسور «ام‌اس»‌ها که ارسال پیام‌های تصویری و صوتی را از طریق تلفن همراه ممکن می‌سازد.

- گفتگوی غلامحسین محسنی اژه‌ای، وزیر اطلاعات حکومت اسلامی با خبرگزاری فارس، مبنی بر ارسال «پیامک‌هایی تخریبی» در حد «خیانت به اسلام». و «رصد کردن این پیامک‌ها در اوضاع انتخاباتی.»

- سجاد خاکساری؛ خبرنگار قلم معلم از سال ۱۳۸۵، تاکنون سه بار دستگیر و زندانی شده است. آخرین بار از تاریخ ۸۸/۲/۶ به اتهام اطلاع‌رسانی از تجمع معلمان حق‌التدریس در جلوی مجلس دستگیر و هم‌اکنون در زندان اوین بسر می‌برد.

- دستگیری سه روزنامه‌نگار در روز ۱۱ اردیبهشت ۸۸، روز جهانی کارگر در کنار دستگیری دویست تن از تجمع-کنندگان در پارک لاله تهران، سنج و دیگر شهرها.

- دستگیری علیرضا ثقفی، سردبیر نشریه توقیف شده راه نو و عضو کانون نویسندگان ایران در تاریخ ۱۱ اردیبهشت، پیش از آغاز تظاهرات از سوی ماموران امنیتی، همراه با ضرب و شتم هاله ثقفی همسر و محسن ثقفی، فرزند او به خاطر اعتراض به بازداشت پدرش.

- احضار و بازداشت کاوه مظفری، روزنامه‌نگار در همین روز از سوی ماموران انتظامی.

---

چنایات حکومت اسلامی، در همه عرصه‌های اجتماعی در جریان است. با اعدام‌های چند روز اخیر نیز، شمار اعدام-شدگان در ایران از ابتدای سال ۲۰۰۹ میلادی تاکنون به بیش از ۱۷۰ نفر می‌رسد. طی روزهای اخیر یک دختر جوان در رشت، یک نفر در اردبیل، سه تن دیگر در اصفهان و هشت نفر نیز در زندان تایباد در استان خراسان رضوی و پنج تن نیز در کرمان به دار آویخته شدند.

سازمان عفو بین‌الملل روز سه شنبه ۵ می ۲۰۰۹، با انتشار بیانیه‌ای از حکومت اسلامی خواست، اعدام نوجوانان را متوقف کند. این سازمان نوشت برنامه‌ریزی برای اعدام دو نوجوان دیگر آن هم چند روز پس از اعدام انزجارآور «دلارا دارابی» نشان می‌دهد که مقامات رژیم تهران هیچ احترامی برای قوانین بین‌المللی قائل نیستند. به گفته سازمان عفو بین‌الملل، دستکم ۱۳۵ نوجوان هم اکنون در زندان‌های حکومت اسلامی در صف اعدام قرار دارند.

کانون نویسندگان ایران و انجمن قلم ایران (در تبعید)، در دفاع از گوهر «آزادی بی‌حد و حصر بیان و قلم و اندیشه»، از نویسندگان، واحدها و اعضای خود درخواست می‌کند که تلاش گسترده‌ای برای ترجمه و توزیع این بیانیه و تماس با کانون‌ها و نهادهای نویسندگان، انجمن‌های قلم و روزنامه‌نگاران کشوری که ساکن آن هستند و همچنین در تماس و گفتگو با رسانه‌ها، نهادهای دمکراتیک و انسان‌دوست، احزاب و سازمان‌ها بخواهند که سانسور و اختناق و چنایات حکومت اسلامی را محکوم کنند و با کمک از افکار عمومی در جهت حمایت از مبارزات برحق نویسندگان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و فعالین جنبش‌های اجتماعی آزادی‌خواه و انسان‌دوست جامعه ایران، حکومت اسلامی را وادار کنند زندانیان سیاسی را آزاد کند، به شکنجه و اعدام پایان دهد؛ سانسور و اختناق برچیده شود و به آزادی-های فردی و اجتماعی مردم احترام بگذارد.

و سرانجام، این مردم ایران هستند که سرنوشت جامعه را به دست خویش رقم خواهند زد و با تلاش و مبارزه پیگیرشان، فضایی آزاد و برابر و انسانی خواهند ساخت.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) - انجمن قلم ایران (در تبعید)

بیست و یکم اردیبهشت ۱۳۸۸ - یازدهم می ۲۰۰۹

## بیانیه مشترک کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران (در تبعید) در رابطه با نمایش «انتخابات» ریاست جمهوری در ایران

روشنفکران و مردم آزاده!

در ایران:

- نویسندگان، روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان و هنرمندان از حق آزادی بیان و قلم و اندیشه و تشکل برخوردار نیستند.

- فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی ممنوع است و فعالین آن تحت تعقیب، زندان، شکنجه و اعدام قرار می‌گیرند.  
- اقشار مختلف مردم، حق تشکیل کانون‌ها، نهادها، انجمن‌ها، سندیکاها و شوراهای دموکراتیک مردمی خود را ندارند.

- حق فعالیت آزادانه به رسانه‌ها مستقل داده نمی‌شود و حتا رسانه‌های عمومی منتقد هم به طور گروهی تعطیل و نویسندگان و روزنامه‌نگاران آن‌ها تحت پیگرد پلیسی قرار گرفته و از کار اخراج می‌گردند.

- هرگونه اعتراض و اعتصاب ممنوع است و نیروهای انتظامی - امنیتی به دستور سران حکومتی، بی‌رحمانه به تجمعات بر حق زنان، کارگران، دانشجویان و مردم معترض یورش می‌برند و با ضرب و شتم غیرانسانی آن‌ها را متفرق و یا دستگیر و زندانی می‌کنند.

- کانون نویسندگان حق فعالیت آزادانه ندارد و حتا از برگزاری مجامع عمومی آن نیز جلوگیری می‌کنند و هر جایی هم هیئت دبیران جمع شوند با یورش مأمورین امنیتی مواجه می‌گردند.

- جواز انتشار به بسیاری از کتاب‌ها داده نمی‌شود و یا اگر هم داده شود سال‌ها طول می‌کشد. تازه پس از چاپ و انتشار کتاب‌های دارای مجوز رسمی، باز هم هیچ تضمینی وجود ندارد که آن‌ها را جمع‌آوری و خمیر نکنند. بسیاری از تولیدات سینمایی و هنری به بایگانی سانسور سپرده می‌شوند.

- روزی نیست که حکم اعدام اجرا نشود و حتا حکومت اسلامی، اولین حکومت در جهان است که برای کودکان نیز حکم اعدام صادر می‌کند. برخی مواقع قربانیان را در میداین شهرها ساعت‌ها روی جرتقیل‌ها نگه می‌دارند تا رعب و وحشت در میان مردم بیافرینند.

- قوانین اسلامی وحشیانه به نام «قصاص» وجود دارد که چشم را در مقابل چشم در می‌آورند و دست و پای دزدان درمانده را می‌برند.

- قانون سنگسار وجود دارد که عمدتا زن و در مواقع بسیار نادر و استثنایی مرد را نخست تا سینه در خاک دفن می‌کنند و سپس با کوبیدن سنگ‌های ریز به سر و کله قربانی، به شکل زجرکش او را از پا درمی‌آورند.

- در قوانین ایران، آزادی کاندیدا شدن برای زنان وجود ندارد. یعنی نصف جامعه «زنان» از حق کاندیداتوری محرومند. کاندیداها را نخست شورای نگهبان از غربال خود می‌گذرانند و نهایت نظر «رهبر» شرط اصلی باقی ماندن کاندیداها در لیست است و سپس از میان صدها کاندیدا چند نفری از عوامل شناخته شده «سیاسی - نظامی» حکومت را در لیست باقی می‌گذارند و از مردم می‌خواهند به منتخبین شورای نگهبان و رهبر رای دهند. روشن است که این انتخابات نیست، بلکه انتصابات و جا به جایی مهرهای حکومتی از بالاست و از حضور مردم بر سر صندوق‌های رای به عنوان سیاهی لشکر برای انحراف افکار عمومی، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. به گفته علی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی، هر رای که به صندوق‌ها ریخته شود، رای به کلیت نظام است. یعنی رای به ادامه سانسور و اختناق، ترور و وحشت، سرکوب و کشتار، شکنجه و اعدام و جهل و خرافات حکومت اسلامی.

- وجود و ماهیت ولایت فقیه و قدرت مطلقه رهبر مذهبی، قوانین غیرانسانی حاکم بر جامعه و سانسور و سرکوب مداوم خواست‌های عادلانه و بر حق مردم، کمترین جایی برای انتخابات و آزادی کاندید شدن و رای دادن باقی نگذاشته است. مردم تحت ستم ایران، از وعده و وعیدهای توخالی سی ساله جناح‌های داخل حکومتی که هر چهار سال یک بار برای تقسیم مجدد قدرت و حاکمیت با همدیگر رقابت و کشمکش دارند، اما به محض این که از سوی قدرت مردم احساس خطر می‌کنند، برای سرکوب وحشیانه اعتراضات مردم متحد می‌شوند. مردم ما، از این وضعیت خسته شده‌اند. آن‌ها آزادی و رفاه و زندگی درخور انسان می‌خواهند که حکومت اسلامی آن‌ها را از مردم سلب کرده است.

در چنین شرایطی، کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران (در تبعید) که از گوهر آزادی بی حد و حصر بیان و قلم و اندیشه و تشکل دفاع می‌کنند و همواره پشتیبان مبارزات بر حق و عادلانه جنبش‌های اجتماعی آزادی-خواه هستند؛ در حال حاضر بحث شرکت در «انتخابات ۲۲ خرداد 1388» را بزرگترین و تلخ‌ترین طنز تاریخ می‌دانند. سران حکومت اسلامی شعور و آگاهی اجتماعی جامعه ما را دست کم می‌گیرند. در حالی که مردم جامعه ما، شایسته تحمل چنین شرایط سیاهی نیستند. برای تغییر شرایط ناگوار موجود حاکم بر جامعه‌مان، عملاً باید علیه کلیت

حکومت اسلامی بود تا به روشنایی و دنیای بهتر دست یافت، نه با شرکت در نمایش انتصابات برای بقای آن کمک کرد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

و انجمن قلم ایران (در تبعید)

۳۰ می ۲۰۰۹

## بیانیه مشترک کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید در رابطه با حوادث اخیر ایران دوره جدیدی در تاریخ ایران گشوده است!

اکنون حکومت اسلامی ایران، با گسترده‌ترین بحران سیاسی و اقتصادی دوران سی ساله ی حیات خود مواجه شده است. مردم به دنبال تقلب در «مضحکه ی انتصابات» فرصت یافتند تا با حضور میلیونی خود در خیابان های شهرهای مختلف ایران، کلیت حکومت انسان ستیز و جنایتکار اسلامی را با نفرت پاسخ بدهند. مردم جان به لب رسیده، اعم از زنان، دانشجویان، کارگران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، ویلاگ نویسان، هنرمندان و اکثریت قاطع مردم آزاده ی ایران، در خیابان‌های تهران و شهرهای بزرگ، به حکومت سنگسار و زن ستیز و آزادی کش به روشنی پیام دادند که با همه ی ذهنیت و توان، مخالف همه ی جناح های این رژیم هستند. اما از سوی دیگر، نیروهای امنیتی و دیگر نیروهای سرکوبگر، بی‌رحمانه و با شدیدترین وضعی مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند و می دهند. تا آن جا که از تعداد زیادی از هم میهنان جوان ما، جان ستاندند و هزاران نفر را زخمی و راهی بیمارستان کردند و گروه کثیری را نیز دستگیر و به نقاط نامعلوم انتقال دادند.

بدین ترتیب، دوره ی جدیدی در تاریخ ایران ورق خورده است. تاریخی که مردم با اعتراض و مبارزه پیگیر خود، با قدرت و همبستگی انسانی، در تلاش اند سرنوشت‌شان را به دست خویش رقم بزنند و بیش از این اجازه ندهند، حکومت ارتجاعی اسلامی، با جان و زندگی و آزادی آن‌ها بازی کند.

مردم به میدان آمده‌اند تا حق و حقوق انسانی و اجتماعی خود را از حلقوم ستمگران و مرتجعان بیرون بکشند. مرتجعانی که طی سه دهه ی گذشته، ایران را به زندانی بزرگ تبدیل کرده‌اند و اکثریت مردم این کشور را به اسارت خود درآورده‌اند.

طی چند روز اخیر، میلیون‌ها شهروند ایرانی، به ویژه نیروی جوان، این تشنگان آزادی، شادی و رفاه به خیابان‌ها ریخته اند و با فریادهای حق طلبانه خود، کاخ‌های حکومتی را به لرزه درآورده‌اند. این اعتراضات روز به روز گسترده تر می‌شود و جناح‌های مختلف حکومتی و همه ی سران ریز و درشت آن به تکاپو افتاده‌اند تا مردم را به آرامش دعوت کنند و به خانه‌هایشان بفرستند. از این رو، این جناح‌ها در مواجه با گسترش اعتراضات و خطراتی که «کل نظام» را تهدید می‌کند؛ احتمالاً ناچار به سازش با یکدیگر خواهند شد تا سرکوب شدیدتری را تدارک ببینند. عموماً اختلاف بین جناح‌های مختلف حکومت، اختلاف بر سر چگونگی حفظ و تداوم حکومت اسلامی است و هیچ ربطی به منافع جنبش‌های اجتماعی آزادی‌خواه و عدالت طلب ندارد.

اکنون که شکاف در درون حاکمیت شدت یافته است، هرگونه دنباله‌روی از جناح‌های حکومتی بزرگ‌ترین خطای سیاسی و اجتماعی است.

قوانین و سیاست‌های حاکم بر ایران، قوانین و سیاست‌هایی ضد آزادی بیان، قلم، اندیشه و تشکل، ضد زن و ضد اکثریت عظیم مردم هستند. قوانین و سیاست‌های ضد دموکراتیک‌اند. سران حکومت، خود را ما فوق جامعه قلمداد می‌کند. بر این اساس، مردم برای لغو این قوانین و سیاست‌های غیرانسانی حکومت اسلامی، به مبارزه ی همه جانبه‌ای برخاسته‌اند. این مردم به روشنی با تظاهرات خود ابراز داشتند که دیگر ابزار و آلت دست این و یا آن جناح حکومتی نخواهند شد. دعوای جناح‌ها با همدیگر از جنس دعوای مردم با حاکمیت نیست. آنان می‌خواهند قدرت و حاکمیت را بین خود تقسیم کنند و در این راه روز روشن سر همدیگر کلاه می‌گذارند. بنابراین، حق مسلم مردم ایران است که آن شکل سیاسی و حکومتی که منافع شهروندان را بدون در نظر گرفتن جنسیت، ملیت و باورهایشان؛ برای محو هرگونه ستم و شکوفائی مادی و معنوی انتخاب کنند؛ یعنی حکومتی که در کنترل مردم و خدمتگزار مردم باشد نه مافوق مردم.

در چنین شرایطی، ضروری است که مردم با شعارها و مطالبات خود بر اساس نیازهای واقعی زندگی و حقوق انسانی مبارزه خود را پیش ببرند. مطالباتی که تحقق هر کدام از آن‌ها، گشایش و تحولی واقعی در زندگی مردم ایجاد می‌کند. امروز خواست آزادی بی‌قید و شرط بیان، قلم و اندیشه و فعالیت سیاسی و اجتماعی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، جدایی دین از دولت، تامین برابری زن و مرد در تمام شئون زندگی، آزادی ایجاد تشکل‌های دموکراتیک زنان، دانشجویان، کارگران، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و نویسندگان، افزایش دست‌مزدها، متناسب با سطح تورم و گرانی واقعی، تامین آزادی های فردی، پایان دادن به ستم ملی و همچنین لغو حجاب اجباری، کار کودکان، مجازات اعدام و... خواست‌ها و شعارهای عمومی اکثریت مردم ایران است.

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید که تحقق آزادی های بی‌قید و شرط بیان، قلم و اندیشه و همچنین فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در دستور کار خود دارند، با محکوم کردن این وحشی‌گری و سرکوب و کشتار حکومت اسلامی و با همدردی با جان‌باختگان اخیر، از مبارزه ی بر حق و عادلانه جنبش‌های اجتماعی پشتیبانی می‌کنند؛ و از همه انسان‌های آزاده و نویسندگان و هنرمندان و روزنامه‌نگاران می‌خواهند که از هر طریق ممکن، صدای اعتراض مردم ایران را با هدف جلب حمایت و پشتیبانی به گوش افکار عمومی جهان برسانند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) - انجمن قلم ایران (در تبعید)  
شانزدهم جون ۲۰۰۹

## به یاد درخشان سعید سلطان‌پور

ایران من  
ایران انقلاب های خاموش  
مغلوب  
خاموش  
شیر گرسنه خفته به غوغای آسیا!

سی و یکم خرداد، سالروز اعدام شاعر، نمایشنامه‌نویس و کارگردان انقلابی تناتر سعید سلطان‌پور است. حکومت اسلامی در ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۰ در یک هجوم وحشیانه، به شکل تازه‌ای کشتار فرزندان فداکار و انقلابی مردم ایران را آغاز کرد و سعید سلطان‌پور را همراه ۱۴ تن از دیگر زندانیان سیاسی به قتل رساند. ماموران امنیتی حکومت اسلامی، سعید را در شب جشن ازدواج‌اش دستگیر کردند و هم‌زمان با اعدام وی و هزاران اعدامی دیگر در دهه شصت، خمینی رهبر، خامنه‌ای رییس جمهور و میرحسین موسوی نخست وزیر بود.

از همین مقطع بود که رژیم شمشیر سرکوب خود را از رو بست و سیاست سرکوب آشکاری را در تمامی جامعه در پیش گرفت که در نتیجه آن، روز به روز بر شدت پای‌مالی حقوق مردم و کشتار دگراندیشان، آزادی‌خواهان و برابری‌طلبان افزوده شد.

سعید سلطان‌پور، یکی از چهره‌های درخشان ادبیات و هنر و مبارزه مردم ایران بود و در دفاع از آزادی و برابری، سال‌های پرباری از زندگی‌اش را در زندان و زیر شکنجه و آزار رژیم شاه گذراند و در حکومت اسلامی نیز به خاطر هنر، خلاقیت ادبی و تاثیرات شگرفی که در فرهنگ پایداری باقی می‌گذاشت بی‌درنگ دستگیر شد و در زمان کوتاهی پس از آن به قتل رسید.

سعید سلطان‌پور یادآور خاطره شاعران و هنرمندان انقلابی و مبارزی همچون قره‌العین، عارف، فرخی یزدی و عشقی بود و پیوندی بین سنت پایداری گذشته و اکنون جامعه ما به شمار می‌آمد.

اینک در آستانه خیزش همگانی مردم ایران که سرکوب ارتجاع اسلامی ابعاد عظیمی یافته، یاد سعید سلطان‌پور هم-چنان زنده و آموزنده است و جنایت حکومت اسلامی در سرکوب و اعدام فرزندان جامعه ما، نشانه سببیت رژیم است که دچار تشنج مرگ شده است.

کانون نویسندگان ایران در تبعید، در راستای دفاع از آزادی اندیشه و بیان، یاد سعید سلطان‌پور و همه انسان‌های آزاده و برابری‌خواه را که در دفاع از حقوق حقه مردم ایران برای یک زندگی بهتر و آزاد جان خود را از دست داده-اند گرامی می‌دارد و یقین دارد که آزادی اندیشه و بیان را نمی‌توان در بند نگه داشت.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
۳۱ خرداد ۱۳۸۸ - ۲۰ ژوئن ۲۰۰۹

## پاسخ کانون نویسندگان ایران به شادباش یاران نویسنده

در پی برگزاری انتخابات کانون نویسندگان ایران در تیرماه ۱۳۸۷، بسیاری از دوستان، یاران و نهادها، از جمله کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، انجمن قلم (در تبعید) و... برگزاری موفقیت آمیز انتخابات را شادباش گفته‌اند. با سپاس از همدلی و پشتیبانی این دوستان که مایه دلگرمی ما است، یادآور می‌شویم که کانون نویسندگان ایران بر آن است که در این لحظه‌های خطیر تاریخی که بر مردم و اهل قلم ما می‌گذرد، با پای بندی استوار به منشور کانون، هم‌چنان در دفاع از آزادی بیان و قلم و اندیشه بکوشد و انتخاب هیئت دبیران کانون هدفی جز هموارتر ساختن روند دفاع از آرمان آزادی ندارد.

هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران  
۱۲ مرداد ۱۳۸۷

## بیانیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید) در دهمین سالگرد ۱۸ تیر آزادی فوری زندانیان سیاسی را به حکومت اسلامی تحمیل کنیم!

ده سال پیش، پنجشنبه هفدهم تیر ماه سال ۱۳۸۷، دانشجویان در اعتراض به توقیف روزنامه سلام و در دفاع از آزادی بیان و قلم، در خیابان کارگر شمالی دست به تظاهرات زدند. مامورین انتظامی - امنیتی و نیروهای موسوم به لباس شخصی حکومت اسلامی، در نیمه شب جمعه هجدهم تیر ماه، به خوابگاه دانشجویان یورش بردند. در آن شب ظلمت، تعداد بی شماری دانشجو مضروب و مجروح شدند و به خوابگاه ها وسایل شخصی دانشجویان خسارات زیادی وارد شد. عزت ابراهیم نژاد نیز در آن شب کشته شد.

پس از حرکت ارتجاعی «انقلاب فرهنگی» و بستن دانشگاهها در سال ۱۳۵۹، واقعه ۱۸ تیر اولین حرکت اعتراضی گسترده دانشجویان بود. جریان آزادیخواهی جنبش دانشجویی علیه حکومت اسلامی که از ۱۸ تیر صف خود را از جناحهای حکومتی جدا کرد و در این ده سال، با پشت سر گذاشتن فراز و نشیبهایی، در جهت آزادیخواهی و برابری طلبی گامهای موثری برداشته است.

هجدهم تیر ماه، همچون ۱۶ آذر، به یک روز مهم اعتراضی دانشجویان شهرت یافت. مامورین حکومت نظامی شاه در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به دانشگاه یورش بردند و سه دانشجو را به قتل رساندند و در ۱۸ تیر نیز مامورین حکومت اسلامی با حمله به کوی دانشگاه تهران، ورق دیگری را به کارنامه جنایات بی شمار خود علیه بشریت افزودند. اعتراض دانشجویان به دنبال واقعه هجدهم تیر، که به اعتراض شش روزه دانشجویان معروف شد، نقطه عطف مهمی در تاریخ مبارزات جنبش دانشجویی بوده است اگرچه این مبارزه نابرابر شکست خورد اما مبارزات دانشجویان هرگز پایان نیافت و در اشکال مختلف در سراسر دانشگاههای ایران ادامه دارد.

امسال دانشجویان و مردم آزاده در شرایطی به استقبال هیجده تیر میروند که حرکت عظیم مردم ایران در سه هفته اخیر، کاخهای ظلم و ستم سران حکومت اسلامی و در راس آن علی خامنه‌ای و احمدی نژاد را به لرزه درآورده است. در این سه هفته اخیر، بیش از صد تن جان خود را از دست داده‌اند، صدها زخمی و بیش از هزار نفر زندانی شده‌اند، اما همچنان اعتراضات عمومی مردم به اشکال مختلف ادامه دارد. باین ترتیب، سران حکومت اسلامی بیش از هر زمانی نه تنها در نزد اکثریت مردم ایران، بلکه در نزد افکار عمومی مردم جهان نیز آدمکش و آزادی‌کش محسوب می‌شوند.

۱۸ تیر نیز فرصتی است تا بار دیگر حکومت اسلامی و نیروها و دستگاههای سرکوبگر آن را وادار کرد تا به خواست‌ها و مطالبات بر حق مردم گردن بگذارد و با آزادی زندانیان سیاسی و به ویژه دستگیرشدگان اخیر، آزادی بیان، اندیشه، تجمع و دیگر حقوق و آزادیهای فردی و جمعی را به رسمیت بشناسد. بی‌شک تنها با مبارزه متحدانه و همبسته دانشجویان، زنان، کارگران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، ویلاگ نویسان، هنرمندان و مردم آزاده می‌توان به سانسور و اختناق، رعب و وحشت، ظلم و ستم حکومت اسلامی پایان داد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، ضمن گرامی‌داشت سالروز مبارزه هیجده تیر ۷۸ دانشجویان، از مبارزه همبسته و متحدانه آنها با مبارزات اخیر مردم آزاده جامعه‌مان بر علیه حکومت اسلامی که دشمن درجه یک آزادی بیان و اندیشه و تشکل و تجمع است، حمایت و پشتیبانی می‌کند و همواره برای تغییر وضع موجود به نفع مردم آزاده می‌کوشد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
هفدهم تیر ماه ۱۳۸۸

### بیانیه مشترک

## کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران (در تبعید) ۲۵ ژوئیه روز همبستگی جهانی با مبارزات مردم ایران

اینک هفته‌هاست که رزم دلاورانه و خیزش میلیون‌ها تن از مردم ایران در برابر سرکوب و کشتار، شکنجه و اعدام، سانسور و فضای اختناق حکومت اسلامی ادامه دارد.



در این مدت، نیروهای سرکویگر رژیم، صدها نفر را در تظاهرات خیابانی و در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های خود به قتل رسانده و هزاران تن را زخمی و خون‌آلود از خیابان‌ها و خانه‌ها و بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها ربوده و زندانی کرده است.

حکومت اسلامی، تمامی معیارها و ارزش‌های انسانی و قراردادهای بین‌المللی را طی سی سال حاکمیت منحوسش، زیر پا گذاشته و می‌کوشد با سرکوب اعتراضات بر حق مردم، و استقرار نیروهای نظامی، بسیج، و لباس شخصی در هر خیابان و کوی و برزن، خشونت و وحشت را بر جامعه حاکم کند.

اکنون، زندانیان و دستگیرشدگان رویدادهای اخیر، زیر شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روانی قرار دارند و نام ۴۱ روزنامه نگار و وبلاگ نویس نیز در میان دستگیرشدگان اعلام شده است. با این وجود، مبارزه شگفت‌انگیز و تحسین برانگیز مردم آزاده و دختران و پسران جوانی که در راه به چنگ آوردن آزادی و برابری در پیشاپیش این صف می‌جنگند، با شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» هم چنان ادامه دارد. این مبارزه پر شکوه، چشم جهانیان را بر سرنوشت خیزش خلق‌های تحت ستم و آزادی‌خواه ایران خیره کرده است و در حمایت و پشتیبانی از این مبارزات، یک همبستگی بین‌المللی شکل گرفته است که روز به روز گسترده‌تر می‌شود.

اکنون، سه سازمان بزرگ جهانی مدافع حقوق بشر و آزادی اندیشه و بیان، «سازمان عفو بین‌الملل»، «گزارشگران بدون مرز» و «انجمن جهانی قلم»، ۲۵ ژوئیه را روز دفاع از مردم ایران اعلام و شعار خود را آزادی زندانیان رویدادهای اخیر ایران اعلام کرده‌اند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، با قدردانی و پشتیبانی از این اقدام ارزنده و انسانی، از مردم آزاده و اعضای خود در کشورهای مختلف دعوت می‌کند که هرگونه ابتکار و اقدام ممکن را در همکاری با این سه سازمان جهانی انجام دهند و در همبستگی با مبارزات بر حق مردم ایران، در دفاع از آزادی بی حد و حصر اندیشه و بیان، لغو شکنجه و اعدام و آزادی زندانیان سیاسی گام‌های بلند بردارند. بی‌شک مردم آزاده ایران، در تداوم این مبارزه پیگیر و دلاورانه، دیر یا زود به حاکمیت سانسور و اختناق و سرکوب و کشتار پایان خواهند داد و جامعه‌ای آزاد و برابر و شایسته مقام انسانی خود برپا خواهند کرد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) - انجمن قلم ایران (در تبعید)

سی و یکم تیر ۱۳۸۸ - بیست و دوم ژوئیه ۲۰۰۹

## کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

### حمله به قرارگاه اشرف را محکوم می‌کند!

بنا به گزارش خبرگزاری‌ها، روز سه شنبه ۶ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۹ صدها نفر از نیروهای ارتش و پلیس عراق به پایگاه «اشرف» محل استقرار اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران حمله کردند و کنترل این پایگاه را به دست گرفتند.

نیروهای ارتش و پلیس عراق در حمله وحشیانه خود، با استفاده از «بلدور» در ورودی پایگاه اشرف را ویران کردند و با پرتاب گاز اشک‌آور و با باتوم‌های الکتریکی مقاومت اعضا و هواداران غیرمسلح مجاهدین را در هم شکستند و این پایگاه را به تصرف کامل خود در آوردند. بنا به اطلاعیه‌های مجاهدین خلق ایران، در جریان این حمله هفت نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق جان باختند و حدود ۴۰۰ نفر نیز زخمی شده‌اند.

در پی این حمله، تمامی ساکنین قرارگاه اشرف به غیر از مجروحان و بیماران دست به اعتصاب غذا زده‌اند. خواست‌های اعتصاب کنندگان از این قرار است:

- خروج نیروهای عراقی از قرارگاه؛ آزادی بازداشت شدگان؛ - سپردن حفاظت قرارگاه به نیروهای آمریکایی؛ - لغو ممنوعیت حضور وکلا و سازمان‌های بین‌المللی که ۷ ماه است امکان ورود به این مکان را نداشته‌اند؛ - اجرای قطعنامه ۲۴ آوریل پارلمان اروپا درباره قرارگاه؛ - مجازات آمرین حمله روز گذشته به قرارگاه.

قرارگاه اشرف در استان دیاله در شمال بغداد و در نزدیکی مرز ایران قرار دارد و حدود ۳۴۰۰ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق در آنجا سکونت دارند. ساکنان این قرارگاه، در سال ۲۰۰۳ توسط نیروهای آمریکایی خلع سلاح شدند.

حکومت اسلامی ایران تاکنون بارها تلاش کرده است تا با استفاده از نفوذ خود در میان گروه‌های سیاسی عراق و به ویژه دولت این کشور، سازمان‌ها و احزاب مخالف خود مستقر در عراق را تحت فشار قرار دهد و حمله به قرارگاه سازمان مجاهدین خلق نیز در همین راستا صورت گرفته است. دولت جمهوری اسلامی ایران از برخورد شدید ارتش و پلیس عراق علیه مجاهدین ابراز خوشحالی نمود. به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر روز چهارشنبه ۷ مرداد،

علی لاریجانی، رییس مجلس شورای اسلامی، گفت: «هرچند که این اقدام دولت عراق دیر هنگام است اما قابل تقدیر است که تصمیم گرفتند سرزمین عراق را از لوٹ وجود تروریست‌ها پاک کنند.»  
در حالی که بر اساس قوانین شناخته شده بین‌المللی، اعضای سازمان مجاهدین خلق مانند هر فعال سیاسی دیگر باید از حق پناهندگی و مصونیت برخوردار باشند و دولت عراق و نیروهای آمریکایی که حاکمیت دوگانه منطقه را به عهده دارند مسئول تامین امنیت جانی اعضای این سازمان هستند.  
کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، این حمله غیرانسانی نیروهای عراقی به پایگاه مجاهدین خلق را محکوم می‌کند؛ از همه انسان‌ها و نیروهای آزادی‌خواه و همچنین نهادهای مدافع حقوق بشر در سطح جهان می‌خواهد که از دیدگاه انسانی، برای رهایی اعضای مجاهدین از اسارت حکومت عراق بکوشند و اجازه ندهند امنیت و جان اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران مستقر در قرارگاه اشرف، قربانی معاملات حکومت‌های ایران و عراق و منطقه شود.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
بیست و نهم ژوئیه ۲۰۰۹

## بیانیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید) در محکومیت دادگاه‌های نمایشی!

بامداد روز شنبه اول اوت ۲۰۰۹، محاکمه صد نفر از بازداشت شدگان اعتراضات اخیر در ایران آغاز شد. دادگاهی که در آن برای نخستین بار در تاریخ حکومت اسلامی، شماری از مقام‌های حکومتی و چهره‌های سرشناس وابسته به جناح اصلاح‌طلب حکومتی در حالی که که لباس زندان بر تن داشتند، به شیوه‌ای استهزآمیز محاکمه کشیده شدند. «متهان»، یکی پس از دیگری، در اثر شکنجه‌های جسمی و روانی وحشتناکی که بر آنان وارد شده بود، به جرایمی «اعتراف» کردند که مرتکب نشده بودند. اعترافات که از نگاه مردم فهیم، خالی از هرگونه اعتبار حقوقی، سیاسی و اجتماعی است. حکومت اسلامی، در این نوع اعتراف‌گیری تجربه سی ساله دارد و حتی کسانی که امروز در این دادگاه تحت محاکمه قرار گرفتند روزگاری خود از مدیران و فعالین وزارت اطلاعات و امنیت حکومت اسلامی بودند و از همین شیوه‌ها در اقرارگیری از زندانیان سیاسی استفاده می‌کردند. در اعتراضات اخیر جامعه ما، هزاران نفر از زنان و مردان جوان و سالخورده دستگیر و زندانی شده‌اند و در زیر شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی قرار دارند. روزی نیست که نام جوانی اعلام نشود که در زیر شکنجه جان باخته است. برخی سایت‌ها و وبلاگ‌ها تعداد کشته‌شدگان وقایع اخیر را ۳۶۵ تن اعلام کرده‌اند. سران حکومت اسلامی، با نمایش مضحک چنین دادگاه‌هایی، می‌کوشند اعتراضات میلیونی مردم ایران را در خیابان‌های تهران و دیگر شهرهای کشور، «اغتشاش و آشوب‌گری» چند صد نفر معرفی و آن را به یک جناح درون حکومتی محدود کنند. در حالی که مردم ایران، در مبارزات میلیونی خود با صدای بلند اعلام کرده‌اند که حکومت دینی، آپارتاید جنسی، سانسور و اختناق نمی‌خواهند. از همین رو ست که سران حکومت اسلامی، دیگر نمی‌توانند با این سیاست‌ها و دادگاه‌های نمایشی افکار عمومی را نسبت به مبارزات آزادی‌خواهانه و بر حق جامعه ایران منحرف سازند. حکومت اسلامی با این روش‌های غیرانسانی، تنها برگ دیگری بر انبوه جنایت‌ها و کارنامه سیاه خود افزوده است. کانون نویسندگان ایران (در تبعید) (سرکوب، دستگیری، شکنجه و کشتار وحشیانه مردم ایران و نمایش مسخره دادگاه‌های نمایشی وقایع اخیر را محکوم می‌کند و از همه انسان‌های آزاده، نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر و همه آنان که دل در گرو گوهر آزادی نهاده‌اند، می‌خواهد که این جنایت‌ها را افشا کنند و هم‌صدا و هم‌بسته با مردم ایران، خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی، معرفی و مجازات آمران و عاملان کشتارهای مردم و پایان دادن به دادگاه‌های نمایشی و سیاست وحشت و سانسور شوند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
دوازدهم مرداد ۱۳۸۸ - سوم اوت ۲۰۰۹

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) برگزار می‌کند  
شب همبستگی با مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران

به یاد جانبختگان راه آزادی و برابری

با سخن و شعر شاعران و نویسندگان مریم هوله، عباس سماکار، سهراب مختاری، بهرام رحمانی، علی کامرانی، یاور استوار

با ترانه‌خوانی هنرمند جوان تبعیدی شاهین نجفی

مکان: استکهلم، آ.ب.اف مرکزی،

زمان: جمعه ۲۸ آگوست ۲۰۰۹، ساعت ۱۷

برگزار کننده: کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

گزارش مراسم ۲۸ آگوست

شب همبستگی کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

با مبارزت آزادی‌خواهانه مردم ایران در استکهلم

این مراسم در دفاع از پیکار آزادی‌خواهانه و دلاورانه مردم ایران و با یاد جانباخته‌گان سال‌های اخیر این مبارزات در تاریخ ۲۸ ماه اوت ۲۰۰۹ در شهر استکهلم برگزار شد.

در این مراسم مریم هوله، عباس سماکار، سهراب مختاری، یاور استوار و علی کامرانی به شعرخوانی پرداختند و بهرام رحمانی که از سوی هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران در تبعید، سازمان دهنده و برگزارکننده این مراسم بود، سخن گفت و شاهین نجفی، خواننده رب معترض، با ترانه‌های پرشور و تندآهنگ خود در این مراسم، شور جوانی و اعتراض نسل هموندش را به زیباترین شکل ارائه کرد.

گوینده و مجری برنامه این مراسم صوفی کریمی بود که با بیان گرم و خوانش‌های کوتاه متن‌ها، فضای لازم را برای اجرای برنامه میهمانان ایجاد می‌کرد و آنان را به روی صحنه فرامی‌خواند. این مراسم در امتداد حرکت همواره کانون نویسندگان ایران در تبعید و در راستای دفاع از آزادی اندیشه و بیان، به مثابه صدایی بود که می‌کوشید ندای مبارزات جاری مردم ایران را به گوش مردم جهان برساند. جدا از سخن آغازین بهرام رحمانی که در به تحلیل شرایط کنونی در مبارزات مردم ایران و چشم‌اندازها و نتایج آن اختصاص داشت، تم غالب و زبان گویای مراسم، با بازخوانی شعر و ترانه، بیان رساترین حس همدلی و همبستگی مبارزاتی شاعران و خواننده شرکت کننده با پیکار دلاورانه مردم ایران بود. شعرهای مریم هوله، با فضای تراژیک و لحن و طنین سنگین و اعتراضی خود زبان زنان و درد و پیچیده‌گی‌های تراژیک زندگی آنان را ارائه می‌کرد. طنز یاور استوار در شعر، گزندگی زبان تند اعتراض کنون بود و شعر علی کامرانی، همراه با ترانه‌خوانی او، و شعر محمد مختاری که از زبان سهراب مختاری خوانده و بیان می‌شد، فضای مبارزاتی موجود را به رنگ‌ها و فضاسازی‌های گوناگون بازسازی می‌کرد و شعر عباس سماکار نیز با تصویرسازی‌های رنگین و مهتابی‌اش و با ساختی از پیکارگری پوشیده و عمیق آن زبان شب همبستگی با مبارزات مردم را می‌ساخت.

بخش پایانی برنامه این مراسم با ترانه‌های رب معترض، با صدای گیرا و ریتم تند شعرهای دلنشین و شور جوانی شاهین نجفی توأم بود که شرکت کنندگان سن و سال دار مراسم را نیز به هیجان واداشته بود و همگی به شدت برای او ابراز احساسات می‌کردند.

برگزاری چنین شب‌هایی از این پس نیز همچنان در دستور کار کانون نویسندگان ایران در تبعید باقی ست و کانون می‌کوشد جدا از مبارزات دیگرش در راستای دفاع از آزادی اندیشه و بیان، از این طریق نیز بر شور مبارزاتی جاری بیافزاید و امید و پشتیبانی و همدلی با مردم ایران را که سال‌های دراز است در سلطه ناپاکارانه رژیم جمهوری اسلامی دست از پیکار برای آزادی و رهائی و برابری نمی‌کشند، تداوم بخشد.

کانون نویسندگان ایران در تبعید

بیانیه مشترک کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران (در تبعید)

## در رابطه با حوادث اخیر ایران

### دوره جدیدی در تاریخ ایران گشوده است!

اکنون حکومت اسلامی ایران، با گسترده‌ترین بحران سیاسی و اقتصادی دوران سی ساله حیات خود مواجه شده است. مردم به دنبال تقلب در «مضحکه‌ی انتصابات» فرصت یافتند تا با حضور میلیونی خود در خیابان‌های شهرهای مختلف ایران، کلیت حکومت انسان‌ستیز و جنایت‌کار اسلامی را با نفرت پاسخ بدهند. مردم جان به لب رسیده، اعم از زنان، دانشجویان، کارگران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان، هنرمندان و اکثریت قاطع مردم آزاده ایران، در خیابان‌های تهران و شهرهای بزرگ، به حکومت سنگسار و زن‌ستیز و آزادی‌کش به روشنی پیام دادند که با همه‌ی ذهنیت و توان، مخالف همه جناح‌های این رژیم هستند. اما از سوی دیگر، نیروهای امنیتی و دیگر نیروهای سرکوبگر، بی‌رحمانه و با شدیدترین وضعی مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند و می‌دهند. تا آن جا که از تعداد زیادی از هم‌میهنان جوان ما، جان ستاندند و هزاران نفر را زخمی و راهی بیمارستان کردند و گروه‌های زیادی را نیز دستگیر و به نقاط نامعلوم انتقال دادند.

بدین ترتیب، دوره جدیدی در تاریخ ایران ورق خورده است. تاریخی که مردم با اعتراض و مبارزه پیگیر خود، با قدرت و همبستگی انسانی، در تلاش اند سرنوشت‌شان را به دست خویش رقم بزنند و بیش از این اجازه ندهند، حکومت ارتجاعی اسلامی، با جان و زندگی و آزادی آن‌ها بازی کند.

مردم به میدان آمده‌اند تا حق و حقوق انسانی و اجتماعی خود را از حلقوم ستم‌گران و مرتجعان بیرون بکشند. مرتجعانی که طی سه دهه گذشته، ایران را به زندانی بزرگ تبدیل کرده‌اند و اکثریت مردم این کشور را به اسارت خود درآورده‌اند.

طی چند روز اخیر، میلیون‌ها شهروند ایرانی، به ویژه نیروی جوان، این تشنگان آزادی، شادی و رفاه به خیابان‌ها ریخته‌اند و با فریادهای حق‌طلبانه خود، کاخ‌های حکومتی را به لرزه درآورده‌اند. این اعتراضات روز به روز گسترده‌تر می‌شود و جناح‌های مختلف حکومتی و همه‌ی سران ریز و درشت آن به تکاپو افتاده‌اند تا مردم را به آرامش دعوت کنند و به خانه‌هایشان بفرستند. از این‌رو، این جناح‌ها در مواجهه با گسترش اعتراضات و خطراتی که «کل نظام» را تهدید می‌کند؛ احتمالاً ناچار به سازش با یکدیگر خواهند شد تا سرکوب شدیدتری را تدارک ببینند. عموماً اختلاف بین جناح‌های مختلف حکومت، اختلاف بر سر چگونگی حفظ و تداوم حکومت اسلامی است و هیچ ربطی به منافع جنبش‌های اجتماعی آزادی‌خواه و عدالت طلب ندارد.

اکنون که شکاف در درون حاکمیت شدت یافته است، هرگونه دنباله‌روی از جناح‌های حکومتی بزرگ‌ترین خطای سیاسی و اجتماعی است.

قوانین و سیاست‌های حاکم بر ایران، قوانین و سیاست‌هایی ضد آزادی بیان، قلم، اندیشه و تشکل، ضد زن و ضد اکثریت عظیم مردم هستند. قوانین و سیاست‌های ضد دموکراتیک‌اند. سران حکومت، خود را ما فوق جامعه قلمداد می‌کنند. بر این اساس، مردم برای لغو این قوانین و سیاست‌های غیرانسانی حکومت اسلامی، به مبارزه‌ی همه‌جانبه‌ای برخاسته‌اند. این مردم به روشنی با تظاهرات خود ابراز داشتند که دیگر ابزار و آلت دست این و یا آن جناح حکومتی نخواهند شد. دعوی جناح‌ها با همدیگر از جنس دعوی مردم با حاکمیت نیست. آنان می‌خواهند قدرت و حاکمیت را بین خود تقسیم کنند و در این راه روز روشن سر همدیگر کلاه می‌گذارند. بنابراین، حق مسلم مردم ایران است که آن شکل سیاسی و حکومتی که منافع شهروندان را بدون در نظر گرفتن جنسیت، ملیت و باورهایشان؛ برای محورگونه ستم و شکوفانی مادی و معنوی انتخاب کنند؛ یعنی حکومتی که در کنترل مردم و خدمتگزار مردم باشد نه مافوق مردم.

در چنین شرایطی، ضروری است که مردم با شعارها و مطالبات خود بر اساس نیازهای واقعی زندگی و حقوق انسانی مبارزه خود را پیش ببرند. مطالباتی که تحقق هر کدام از آن‌ها، گشایش و تحولی واقعی در زندگی مردم ایجاد می‌کند. امروز خواست آزادی بی‌قید و شرط بیان، قلم و اندیشه و فعالیت سیاسی و اجتماعی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، جدایی دین از دولت، تامین برابری زن و مرد در تمام شئون زندگی، آزادی ایجاد تشکل‌های دموکراتیک زنان، دانشجویان، کارگران، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و نویسندگان، افزایش دست‌مزدها، متناسب با سطح تورم و گرانی واقعی، تامین آزادی‌های فردی، پایان دادن به ستم ملی و همچنین لغو حجاب اجباری، کار کودکان، مجازات اعدام و... خواست‌ها و شعارهای عمومی اکثریت مردم ایران است.

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید که تحقق آزادی‌های بی‌قید و شرط بیان، قلم و اندیشه و همچنین فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در دستور کار خود دارند، با محکوم کردن این وحشی‌گری و سرکوب و کشتار حکومت اسلامی و با همدردی با جان‌باختگان اخیر، از مبارزه‌ی برحق و عادلانه جنبش‌های اجتماعی پشتیبانی می‌کنند؛ و از همه انسان‌های آزاده و نویسندگان و هنرمندان و روزنامه‌نگاران می‌خواهند که از هر طریق ممکن، صدای اعتراض مردم ایران را با هدف جلب حمایت و پشتیبانی به گوش افکار عمومی جهان برسانند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) - انجمن قلم ایران (در تبعید)  
شانزدهم ژوئن ۲۰۰۹

## بیانیه مشترک کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران (در تبعید) ۲۵ ژوئیه، روز همبستگی جهانی با مبارزات مردم ایران

اینک هفته‌هاست که رزم دلاورانه و خیزش میلیون‌ها تن از مردم ایران در برابر سرکوب و کشتار، شکنجه و اعدام، سانسور و فضای اختناق حکومت اسلامی ادامه دارد.

در این مدت، نیروهای سرکوبگر رژیم، صدها نفر را در تظاهرات خیابانی و در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های خود به قتل رسانده و هزاران تن را زخمی و خون‌آلود از خیابان‌ها و خانه‌ها و بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها ربوده و زندانی کرده است.

حکومت اسلامی، تمامی معیارها و ارزش‌های انسانی و قراردادهای بین‌المللی را طی سی سال حاکمیت منحوسش، زیر پا گذاشته و می‌کوشد با سرکوب اعتراضات بر حق مردم، و استقرار نیروهای نظامی، بسیج، و لباس شخصی در هر خیابان و کوی و برزن، خشونت و وحشت را بر جامعه حاکم کند.

اکنون، زندانیان و دستگیرشدگان رویدادهای اخیر، زیر شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روانی قرار دارند و نام ۴۱ روزنامه نگار و وبلاگ نویس نیز در میان دستگیرشدگان اعلام شده است.

با این وجود، مبارزه شگفت‌انگیز و تحسین برانگیز مردم آزاده و دختران و پسران جوانی که در راه به چنگ آوردن آزادی و برابری در پیشاپیش این صف می‌جنگند، با شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» هم چنان ادامه دارد.

این مبارزه پر شکوه، چشم جهانیان را بر سرنوشت خیزش خلق‌های تحت ستم و آزادی‌خواه ایران خیره کرده است و در حمایت و پشتیبانی از این مبارزات، یک همبستگی بین‌المللی شکل گرفته است که روز به روز گسترده‌تر می‌شود.

اکنون، سه سازمان بزرگ جهانی مدافع حقوق بشر و آزادی اندیشه و بیان، «سازمان عفو بین‌الملل»، «گزارشگران بدون مرز» و «انجمن جهانی قلم»، ۲۵ ژوئیه را روز دفاع از مردم ایران اعلام و شعار خود را آزادی زندانیان رویدادهای اخیر ایران اعلام کرده‌اند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، با قدردانی و پشتیبانی از این اقدام ارزنده و انسانی، از مردم آزاده و اعضای خود در کشورهای مختلف دعوت می‌کند که هرگونه ابتکار و اقدام ممکن را در همکاری با این سه سازمان جهانی انجام دهند و در همبستگی با مبارزات بر حق مردم ایران، در دفاع از آزادی بی حد و حصر اندیشه و بیان، لغو شکنجه و اعدام و آزادی زندانیان سیاسی گام‌های بلند بردارند.

بی‌شک مردم آزاده ایران، در تداوم این مبارزه پیگیر و دلاورانه، دیر یا زود به حاکمیت سانسور و اختناق و سرکوب و کشتار پایان خواهند داد و جامعه‌ای آزاد و برابر و شایسته مقام انسانی خود برپا خواهند کرد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) - انجمن قلم ایران (در تبعید)  
بیست و دوم ژوئیه ۲۰۰۹